

## واکاوی عوامل مؤثر بر شادکامی ساکنین در محله‌های شهری با روش مردم‌نگاری، مورد مطالعاتی: محله دروازه‌غار تهران (هرندی)\*

دلیار اسدی<sup>۱</sup> - قاسم مطلبی<sup>۲\*</sup> - روح‌اله رحیمی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکترای معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۴/۰۱/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۱/۰۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

### چکیده

شادکامی، که از دو مؤلفه رضایت کلی از زندگی و تجربه احساسات مثبت در طول روز نشأت می‌گیرد، به میزان قابل توجهی تحت تأثیر نگرش‌ها و کنش‌های فردی در بستر فضایی پیرامونشان قرار دارد. از این رو، اهمیت محیط به عنوان زمینه‌ای که توانایی ایجاد و پرورش زندگی‌های شادمانه برای انسان‌ها را داراست، به‌طور فزاینده‌ای آشکار می‌گردد. در این پژوهش محله دروازه‌غار برای بررسی شادکامی انتخاب شده است، زیرا مطالعات نشان می‌دهند که در فضایی ناعادلانه از نقطه‌نظر سیاست‌های شادکامی قرار دارد. یکی از عواملی که بیش‌ترین تأثیر در شادکامی را دارد، محیط و عوامل کالبدی (فضاهای معماری) می‌باشد. مطالعه حاضر در پی تدوین راهبردهایی است که از طریق مداخله در ساختار فضایی این محله، زمینه را برای تحولات مثبت در تعاملات اجتماعی ساکنین فراهم آورده و با ارتقاء سطح رفاه و سرزندگی ایشان، این محدوده را از سیکل معیوب مشکلات و آسیب‌های اجتماعی رهایی بخشد. تلاش بر این بود تا با بهره‌گیری از رویکرد مردم‌نگاری شهری به عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی، تعریف شادکامی در ذهن ساکنان دروازه‌غار و عوامل ناشادکامی آن‌ها مورد تحقیق و شناخت قرارگیرد. در ادامه، با اتکا به دانش حاصل از مبانی نظری تحقیق و یافته‌های به‌دست آمده از طریق مطالعات مردم‌نگارانه انجام شده، اقدامات در این محله در دو سطح پیشنهاد شدند. سطح کلان، حوزه اقدام برای تمام محله دروازه‌غار است که شامل هدف‌گذاری تا تدوین سیاست‌های مورد انتظار در حوزه‌های اجتماعی - فرهنگی، کالبدی - زیرساختی، زیست‌محیطی - بهداشتی و توانمندسازی اقتصادی شهروندان محله دروازه‌غار می‌شود. در مقیاس خرد، ناحیه جنوب‌غربی محله، در محل تلاقی خیابان‌های شوش و خیام، به دلیل ساختار جمعیتی خاص و ویژگی‌های اجتماعی متمایزش به‌عنوان نقطه شروع مداخله انتخاب شد. بررسی‌ها نشان داد که با تمرکز بر ارتقای کیفیت زندگی زنان و کودکان ساکن دروازه‌غار و فراهم آوردن بستری برای تجربه شادی و احساس امنیت، می‌توان نخستین گام‌های مداخله معماری را برداشت. این اقدام می‌تواند به توانمندسازی این گروه‌ها منجر شده و در بلندمدت با ایجاد رضایتمندی محیطی و تقویت پیوندهای اجتماعی، شادکامی تمامی ساکنان محله را تسهیل کند.

واژگان کلیدی: شادکامی، رضایتمندی محیطی، محله، دروازه‌غار، مردم‌نگاری.

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «شادی و سکنی‌گزینی: طراحی برای مردم ساکن در دروازه‌غار تهران» است که به راهنمایی نویسنده دوم در سال ۱۴۰۰ انجام گرفته است.

\*\* E-mail: motalebi@ut.ac.ir

## ۱. مقدمه

بروز مسائل و چالش‌های متعددی در سطح جامعه گرد. با وجود آن‌که متغیرهای اقتصادی و اجتماعی نقش پررنگی در کاهش سطح شادکامی در ایران ایفا می‌کنند - امری که با توجه به ارتباط ناگزیر انسان با محیط اطرافش و تأیید آن در پژوهش‌های متعدد قابل انکار نیست - یکی از اثرگذارترین عوامل بر احساس شادکامی در فضاهای زیستی، معماری و عوامل کالبدی است. طراحی فضا و ساختار فیزیکی محیط زندگی می‌تواند نقشی کلیدی در شکل‌گیری یا تضعیف حس رضایت و شادکامی افراد داشته باشد.

در این مقاله، محله دروازه‌غار (هرندی) در شهر تهران به عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه انتخاب شده است، چرا که یافته‌های پژوهشگر حاکی از آن است که این ناحیه در وضعیت نابرابری از نظر دسترسی به فرصت‌های شادکامی قرار داشته و ساکنان آن با کمبودهای جدی در این زمینه مواجه‌اند. از آن‌جا که معماری به طور مستقیم با کیفیت زیست روزمره افراد در ارتباط است، وظیفه‌ای اخلاقی و حرفه‌ای بر دوش دارد تا از طریق بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضایی خود، زمینه‌ساز افزایش احساس شادی و رضایت شود. این پژوهش با هدف دستیابی به راهکارهایی برای بازآفرینی محیط کالبدی محله در جهت ارتقاء سطح شادکامی، تلاش دارد بستری فراهم آورد که به بهبود روابط اجتماعی، کاهش آسیب‌های شهری و خروج تدریجی محله از وضعیت بحرانی آن بینجامد.

## - سوال اصلی تحقیق

آورده‌ها و ظرفیت‌های معماری چگونه به ایجاد و افزایش حس شادکامی در مردم ساکن در محله دروازه‌غار کمک می‌کنند؟

## - سوال‌های فرعی

۱. عوامل ناشادکامی مردم ساکن در محله دروازه‌غار چیست و چه عواملی بر کیفیت زندگی آنان تأثیر منفی دارد؟

۲. شادکامی برای مردم ساکن در محله دروازه‌غار چگونه تعریف می‌شود؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در این بخش با مطالعه و بررسی تحقیقات پیشین، عوامل کالبدی و فضایی مرتبط با مفهوم شادکامی در فضاهای شهری که توسط محققان انجام شده، در جدول ۱ قابل مشاهده است.

مطالعات سنجش نگرش عمومی، نظیر پژوهش گالوپ<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۹، به وضوح نمایانگر جایگاه محوری شادکامی<sup>۲</sup> به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی جوامع بشری است. با این حال، یافته‌های متعاقب همین نهاد در سال ۲۰۱۳، تصویری متناقض ارائه می‌دهد، به طوری که شهروندان ایرانی در زمره دومین جمعیت غمگین در سطح جهانی قرار گرفته‌اند. از دهه ۱۹۷۰ میلادی به این سو، تحقیقات متعددی با محوریت مفهوم شادکامی به‌انجام رسیده است. بررسی‌های تطبیقی در بازه زمانی ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۷، جایگاه ایران را در میان ۹۷ کشور در رتبه ۵۶ نشان می‌دهد (Minkov 2009). این روند در سال‌های آتی نیز تداوم یافته و در نظرسنجی سال ۲۰۱۶، ایران از میان ۲۰۵ کشور در رتبه ۱۵۷ و در سال ۲۰۱۷ از میان ۱۵۵ کشور در رتبه ۱۰۸ قرار گرفته است (Samavati and Ranjbar 2018). در همین راستا، گزارش‌های انجمن روان‌شناسی ایران حاکی از افزایش قابل توجه میزان افسردگی در جامعه بوده؛ به طوری که این شاخص از ۱۲ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است. همچنین، پژوهش‌های انجام‌شده توسط مرکز مطالعات وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که افسردگی به عنوان شایع‌ترین اختلال روانی در میان نسل جوان شناخته می‌شود (Mousazadeh and Mohammadi 2018). این داده‌های آماری و مشاهدات رفتاری مؤید این واقعیت است که پدیده شادکامی در بستر جامعه ایرانی با گذر زمان رو به افول نهاده است. حق شادکامی، هم‌تراز و هم‌ارزش با حق زیست و آزادی و یکی از ارکان سه‌گانه‌ی زیست متعادل انسانی مطرح شده است. پیامدهای ناشی از فقدان شادکامی در جامعه، طیف وسیعی از مشکلات از جمله افسردگی، اختلالات عصبی، بی‌انگیزگی، انزوای اجتماعی، فقدان نشاط در کودکان و احساس یأس و ناامیدی را در بر می‌گیرد. اجماع کنونی در میان محققان بر این است که عوامل ژنتیکی احتمالاً حداکثر نیمی از سطح شادکامی افراد را تعیین می‌کنند، اما ۵۰ درصد باقیمانده تحت تأثیر رویدادها، موقعیت‌های محیطی و انتخاب‌های آگاهانه قرار دارد. این امر ظرفیت بالقوه عظیمی را برای تأثیرگذاری بر سطح شادکامی از طریق مداخلات انسانی آشکار می‌سازد (Bock 2020). بنابراین، شادکامی در جوامع معاصر به عنوان یک نیاز اساسی و ضروری تلقی شده و فقدان آن می‌تواند منجر به

جدول ۱: پیشینه تحقیقات در حوزه معرفی مؤلفه‌های شادکامی در فضاهای شهری

سال انجام مطالعه	مؤلفه‌های کالبدی شادکامی	پژوهشگر
۱۳۴۰	ضرورت اختلاط کاربری، تراکم کافی جمعیت، و تنوع فعالیت‌ها	جیکوبز <sup>۳</sup>
۱۳۸۶	خوانایی، حس زمان، نفوذپذیری، حرکت، اختلاط کاربری و فرم، عرصه همگانی، ایمنی و امنیت	گلکار
۱۳۹۲	نفوذپذیری فیزیکی و بصری، تنوع، انعطاف‌پذیری، خوانایی، کیفیت محیط برای فعالیت، و امنیت	فروتن، صنعتگر کاخکی و رضایی

سال انجام مطالعه	مؤلفه‌های کالبدی شادکامی	پژوهشگر
۱۳۹۳	راحتی و آسودگی، امنیت، جهت‌یابی و خوانایی، دسترسی و نفوذپذیری، جذابیت و تعامل	خسروی و بهرامی
۱۳۹۴	تنوع، فضای عمومی خوب، خرید و گردشگری، تحرک پیاده، و فراغت	چپمن <sup>۴</sup>
۱۳۹۴	وجود تسهیلات و امکانات، مطلوبیت فضایی، سهولت دسترسی، تنوع کاربری‌ها، امنیت، قابلیت استفاده در شرایط جوی مختلف	وزیری، حاجلو و کرامتی
۱۳۹۶	عرصه عمومی و طبیعی، قابلیت تغییرپذیری، همبستگی فضا، کاربری مختلط، تراکم و امنیت	سرور، صلاحی ساریخان بیگلو و مبارکی
۱۳۹۵	تنوع، جذابیت، دید و منظر مطلوب، تراکم و هویت	دیده‌بان، مؤمنی و نیک‌نام
۱۳۹۶	امنیت، تنوع، کیفیت محیط، محصوریت، نفوذپذیری و دسترس‌پذیری	نهادوندی، ضابطیان، پوراحمد و خیرالدین
۱۳۹۷	مؤلفه عناصر محیطی، فضاها، پیاده‌محور، انسجام و پیوستگی فضایی، شاخص سرزندگی، احساس امنیت و خاطر‌انگیزی فضا	سماواتی و رنجبر
۱۳۹۷	احساس غرور نسبت به خیابان، احساس امنیت، خاطر‌انگیزی، زیبایی، سرزندگی، حضورپذیری، وجود امنیت شبانه، جهت‌یابی، احساس صمیمیت، مطلوبیت فضای سبز، مطلوبیت نما و سیما، وضعیت جمع‌آوری زباله، پویایی خیابان و سازگاری کاربری‌ها، ایجاد محدودیت در دسترسی وسایل نقلیه	موسی‌زاده و محمدی
۱۳۹۸	استفاده از رنگ‌های طبیعی و شاد، ایجاد فضایی برای گفتگو بین پیاده‌روها مانند فضاهای نشسته با مبلمان انعطاف‌پذیر، تقویت ابعاد اجتماعی، فضایی برای جذب افراد و برقراری ارتباط اجتماعی بین آن‌ها، و توزیع یکسان امکانات و خدمات و دسترسی افراد به فضاها	اورکی، رضایی، مبارکی و اکبریان رونیزی

که میزان رضایت افراد از زندگی را می‌سنجند، به این نتیجه رسیده‌اند که شش عامل اصلی (فارغ از خلق‌وخوی ذاتی) سهم به‌سزایی در تبیین تفاوت‌های سطح شادکامی میان افراد دارند: از دواج، کیفیت روابط اجتماعی، اشتغال و رضایت شغلی، سلامت جسمی قابل درک، باورهای دینی و معنوی، و همچنین کیفیت حکمرانی و ساختارهای حکومتی (Bock 2010).

یکی از عوامل کلیدی در افزایش سطح شادکامی افراد، توانایی در برقراری و حفظ ارتباطات انسانی پایدار و مؤثر است. روابط نزدیک و صمیمی با اعضای خانواده و یک دایره محدود اما محکم از دوستان، به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در ارتقاء شادکامی شناخته شده‌اند (Shahidi 2009). پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که عشق، دوستی و ارتباطات مثبت با دیگران به‌طور چشمگیری به شادکامی انسان می‌افزاید؛ این نتایج برای بیش‌تر افراد قابل پیش‌بینی است. افراد درون‌گرا و برون‌گرا هر دو گزارش می‌دهند که حضور در کنار دیگران، باعث افزایش حس شادی و رضایت آنان می‌شود و بر این اساس، تحقیقات نشان داده‌اند که نوع و کیفیت روابط انسانی در مقایسه با بسیاری از عوامل دیگر، تأثیر بیش‌تری در شادکامی دارند. گروه‌های اجتماعی و نهادهای مختلف نیز به‌عنوان منابع ارتباط انسانی مؤثر در افزایش شادکامی شناخته می‌شوند. برخی پژوهشگران نشان داده‌اند که حتی حضور ماهانه در اجتماعات اجتماعی مانند باشگاه‌ها یا مشارکت در

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در نوع نگرش به مفهوم شادکامی است. در این پژوهش با رویکرد مردم‌نگاری، معانی و عوامل شادکامی و ناشادکامی در ذهن مخاطبان بستر مورد مطالعه بررسی شدند و عامل رضایت‌مندی محیطی با تأکید بر ارتقاء احساس امنیت به عنوان عامل اساسی در ایجاد و ارتقاء شادکامی ساکنان محله در نظر گرفته شده است و سعی شد بستری برای شادکامی تمام ساکنین محله در طی زمان فراهم شود. لذا برنامه‌ریزان و طراحان با استفاده از رویکرد مردم‌نگاری و واکاوی مؤلفه‌های شادکامی و ناشادکامی در ذهن مخاطبان‌شان قادر خواهند بود نقشی مؤثر در شادکامی مخاطبان ایفا کنند.

### ۳. مبانی نظری

در تعریف روان‌شناسانه شادکامی، شادکامی را می‌توان به عنوان یک پاسخ عاطفی مثبت تلقی نمود که در پی مواجهه با محرک‌ها و وقایع خشنودکننده بروز می‌یابد و نیز به منزله تجربه‌ای لذت‌بخش تعریف می‌گردد که در نتیجه تحقق آمال و انتظارات فردی شکل می‌گیرد (Eysenck 1996).

#### ۳-۱- مؤلفه‌های شادکامی

کدام جنبه‌های زندگی با احساس رضایت و شادکامی پایدار ارتباط دارند؟ پژوهشگران، از طریق بررسی‌هایی

بالا تری داشته باشند، کم تر مرتکب جرم شوند، کم تر دچار اعتیاد شوند و به طور کلی کم تر با مشکلات شغلی روبه رو شوند، اغلب از رضایت بیشتری برخوردارند. همچنین، کسانی که از مواجهه با خشونت های اجتماعی مانند سرقت، ضرب و جرح یا تیراندازی به دلیل پایین بودن سطح جرم و جنایت فرار می کنند، معمولاً از ناراحتی های کم تری رنج می برند. برای بسیاری از کودکان، برنامه های پیش دبستانی می تواند عاملی تعیین کننده در جهت موفقیت های آتی آنها باشد، به طوری که می تواند تأثیر زیادی در انتخاب های آموزشی، درگیری های اجتماعی و حتی فارغ التحصیلی آنها از دبیرستان داشته باشد. فراهم کردن برنامه هایی که فرصت های برابر برای کودکان از خانواده های کم درآمد و متوسط فراهم کند، می تواند منجر به کاهش جرم و جنایت و کاهش ترک تحصیل از دبیرستان شود. خوشبختانه، هنوز امکان تحقق این دستاوردها وجود دارد و می توان شرایط بهتری برای میلیون ها کودک فراهم آورد تا زندگی شادتر و رضایت بخش تری داشته باشند (Bock 2010).

تحقیقات نشان می دهد که نه تنها شادکامی باعث افزایش رضایت شغلی می شود، بلکه افراد شاد تمایل بیشتری دارند که از کار خود لذت بیشتری ببرند. افرادی که به دلایل مختلف بیکار می شوند معمولاً با مشکلات روحی طولانی مدت روبه رو می شوند که بخش عمده ای از این مشکلات به دلیل از دست دادن اعتماد به نفس و نگرانی از افت موقعیت اجتماعی و احترام دیگران است (Bock 2010).

تحقیقات درباره فواید شادکامی به نتایج بسیار امیدوارکننده ای رسیده است. یکی از نکات دلگرم کننده این است که شادکامی پایدار نه تنها به تقویت روابط اجتماعی کمک می کند، بلکه به بهبود وضعیت رفاهی دیگران نیز منجر می شود. در غیر این صورت، اگر شادی ناشی از سوءاستفاده از دیگران و بی توجهی به نیازهای آنها بود، قطعاً شادکامی نمی توانست هدفی مطلوب برای دستیابی در جامعه باشد. یافته های پژوهشگران به وضوح نشان می دهند که در جهانی ایده آل، افرادی که بیشترین شادکامی را دارند، معمولاً بیش تر به دیگران کمک می کنند و در نتیجه از این اقدامات رضایت می یابند (Bock 2010).

### ۳-۲- نقش مداخله معمارانه در پدید آوردن و افزایش شادکامی

پس از بررسی عواملی که در شکل گیری حس شادکامی در انسان اثرگذارند و با توجه به تأثیرگذاری بستر محیطی بر زندگی آدمیان در سطوح خودآگاه و ناخودآگاه، نیاز به هم راستا کردن عوامل افزایش دهنده شادکامی با توانایی های بالقوه معماری و طراحی محیطی آشکار می شود. پس از بررسی ها و پژوهش های انجام شده درباره مفهوم شادکامی و ابعاد آن، و به دست آوردن نتایج نظری

فعالیت های داوطلبانه به طور ماهیانه، می تواند به اندازه دو برابر شدن درآمد فرد، به افزایش شادکامی منجر شود (Bock 2010). روابط با کیفیت بالای انسانی نه تنها سطح شادی را افزایش می دهد، بلکه به حفظ سلامت جسمی و روانی نیز کمک می کند.

ارتباط مثبت و قوی میان شادکامی و مذهب یا معنویت در بسیاری از پژوهش ها به اثبات رسیده است؛ به طوری که افرادی که به مذهب پایبند هستند، سطح شادکامی بالاتری نسبت به کسانی دارند که از باورهای دینی بی بهره اند. یکی از جنبه های معنویت که نقش چشمگیری در افزایش شادکامی ایفا می کند، مفهوم بخشایش است (West 2008). اهمیت باورهای دینی به عنوان یک منبع بالقوه برای شادکامی، به این دلیل است که این باورها به فرد این احساس را می دهند که زندگی و فعالیت های هدفمند و معنادار هستند و بنابراین ارزشمند می شوند. علاوه بر این، دو مطالعه نشان داده اند که گروه هایی که تصمیم به تغییر سبک زندگی خود به منظور دستیابی به ارزش هایی مانند حفظ محیط زیست و سادگی داشته اند، شادکامی بیشتری را تجربه کرده اند. در مقابل، از دیدگاه عمومی، نبود معنا و هدف در فعالیت های فردی می تواند باعث شود که زندگی شخص بی هدف و بی فایده به نظر برسد و در نتیجه اعتماد به نفس فرد کاهش یابد و زندگی روزمره از بسیاری از علائق درونی تهی شود (Bock 2010). تحقیقات علمی حاکی از آن است که عوامل محیطی مختلف از جمله شرایط آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی تأثیرات قابل توجهی بر وضعیت روانی و خلق و خوی افراد دارند. ویژگی هایی مانند فضاهای سبز، فضاهای باز و آب و هوای معتدل می توانند احساسات مثبت را در انسان تقویت کنند (Shahidi 2009). علاوه بر این، وجود تسهیلات رفاهی نیز در ارتقاء وضعیت روانی مثبت، به ویژه شادکامی، نقش مهمی ایفا می کند (Carr 2006).

وضعیت جسمی و سطح سلامت فرد به طور مستقیم با احساس شادکامی او در ارتباط است. احساس فرد نسبت به سلامت خود تأثیر بیشتری بر سطح شادکامی اش دارد (نسبت به نتایج آزمایش های پزشکی)، چرا که مفهوم سلامت از دیدگاه شخصی می تواند شامل عواملی مانند استرس، انزوا اجتماعی یا افسردگی باشد که اغلب هیچ نشانه جسمانی مشهودی ندارند (Bock 2010). اوقات فراغت به عنوان یکی از عواملی که به طور مستقیم بر سطح شادکامی افراد تأثیر می گذارد شناخته شده است (Shahidi 2009). همچنین، تحقیقی نشان داده که در گروه های کم درآمد، رابطه ای مثبت بین سطح تحصیلات و احساس شادکامی وجود دارد (Carr 2006). در حالی که تحقیقات مستقیمی در خصوص تأثیر برنامه های موفق آموزشی در سال های اولیه زندگی بر شادکامی شرکت کنندگان در این برنامه ها انجام نشده است. با این حال، شواهد نشان می دهد که کودکانی که به طور مؤثر تربیت شده اند تا به اهداف بهتری دست یابند، درآمد

رضایت از زندگی شکل بگیرد.

### ۳-۳- شادکامی و رضایت از زندگی (به‌زیستی مثبت)

یکی از روش‌های مؤثر در دستیابی به شادکامی و افزایش آن در افراد، ایجاد احساس رضایت از زندگی<sup>۵</sup> است. این احساس به‌عنوان واکنشی شناختی و احساسی نسبت به عوامل محیطی تعریف می‌شود؛ بدین معنا که با برآورده شدن نیازها، فرد حس شادکامی و رضایت را تجربه می‌کند. رضایتمندی ساکنان یک شهر، از یک‌سو، بازتابی از وضعیت محیطی، اجتماعی و اقتصادی است (King 2008) و از سوی دیگر، می‌تواند به پیش‌بینی شرایطی مانند وضعیت سلامت کمک کند (Lamnek 2010). رضایتمندی پدیده‌ای ثابت و از پیش تعیین‌شده نیست که به راحتی قابل سنجش باشد، بلکه قضاوت افراد در شرایط خاص زمانی است که بازتابی از تجربیات شخصی آن‌ها می‌باشد. هرچه آگاهی هیجانی فرد بیش‌تر شود و تجربه‌های هیجانی جدید به‌واسطه‌ی اشتباهات پیش‌بینی ایجاد گردد، هیجان‌های جدیدی به حس‌های فرد افزوده می‌شود که در نتیجه، سلامت روان وی نیز بهبود می‌یابد (Rahimi and Asadi 2025).

رضایتمندی به‌عنوان معیاری برای میزان دستیابی افراد به اهداف مطلوب، نشان‌دهنده‌ی شکاف میان انتظارات ذهنی افراد از کیفیت خدمات و آنچه که در واقع دریافت می‌کنند، محسوب می‌شود (Jalilian, Moradi, and Azari 2011). در واقع، رضایت یک واکنش عاطفی و ذهنی به محیط است که طی آن فرد نیازهای خود را بیان می‌کند و وقتی این نیازها برآورده می‌شود، احساس شادکامی و رضایت در وی به‌وجود می‌آید. از نظر دورکیم، رضایت از زندگی وابسته به نوع، شدت و چگونگی روابط اجتماعی فرد است. رابطه اجتماعی از دو جنبه بر رضایت فرد از زندگی تأثیر می‌گذارد؛ از یک‌سو با تأمین نیازهای عاطفی، شناختی و حتی مالی فرد، رضایت او را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، با کنترل تمایلات فرد، مانع از آرزوهای بی‌پایان و غیرقابل‌برآورده می‌شود. در نظر دورکیم، هنگامی که تطابق مطلوبی میان نیازهای فرد و امکانات موجود نباشد، فرد قادر به لذت بردن از زندگی خود نخواهد بود و حتی ممکن است زندگی‌اش در معرض خطر قرار گیرد (Gorosi and Shamseddini Motlagh 2018).

محققانی که بر تأثیر محیط بر رضایت تأکید دارند، این شاخص را به‌عنوان معیاری برای تغییرات محیطی در نظر می‌گیرند. محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند، شامل مجموعه‌ای از عناصر متنوع است که هم جنبه‌های فیزیکی و هم جنبه‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد. این محیط از مقیاس وسیعی مانند محله شروع می‌شود و به محیط‌های کوچک‌تر مانند اتاقی که فرد در آن سکونت دارد، ختم می‌شود. این محیط کالبدی می‌تواند تأثیر زیادی بر میزان رضایت افراد از زندگی‌شان داشته باشد.

قابل استناد در زمینه عوامل مؤثر بر آن، چنین برداشت شد که به‌کارگیری این یافته‌ها در سطح محلی می‌تواند به بهبود کیفیت دیداری محیط و افزایش نشاط درک‌شده در میان ساکنان بینجامد. به نظر می‌رسد رویکردی در معماری که بستری را برای پدیدآوردن و تقویت حس شادکامی فراهم می‌سازد، بهتر است دارای ویژگی‌های زیر باشد:

ایجاد حس امنیت و ایمنی در فضاهای معماری و استفاده از طراحی مناسب برای این هدف، فراهم کردن دسترسی برابر به امکانات برای تمامی گروه‌ها و اقشار مختلف، به‌ویژه اقلیت‌ها، از طریق طراحی محیطی فراگیر، توجه به تنوع‌های فردی و ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر که کاربران قادر به کنترل آن‌ها باشند، همچنین اعطای انتخاب‌های مختلف در نحوه استفاده از فضا، استفاده از عناصر طبیعی و زیست‌محیطی مانند فضای سبز و منابع آبی که به تقویت ارتباط انسان با طبیعت کمک کند، طراحی فضاهایی که احساس تعلق و ارتباط اجتماعی را در ساکنان تقویت کند، تشویق به استفاده از حواس پنج‌گانه برای تعامل بیش‌تر با فضا و تجربه لذت‌های حسی، طراحی فضاهای آموزشی که در زندگی روزمره کارکرد آموزشی و لذت‌بخش داشته باشند.

لازم به یادآوری است که با وجود قابل اعتماد بودن و درست به نظر رسیدن روش‌های یادشده، تدوین اصول برای رسیدن به شادکامی بدون بررسی معانی آن در ذهن مخاطبان آن معماری، تنها به پدید آوردن لذت‌ها و شادکامی‌های سطحی می‌انجامد. از این رو، با توجه به نیاز به برقرار کردن پیوند معنادار میان بعد نظری با جامعه مورد بررسی، و جدا نبودن چارچوب نظری از زمینه اقدام با در نظر گرفتن بعد اجتماعی مسئله طرح‌شده، تصمیم گرفته شد در این گام با تکیه بر مبانی نظری به‌دست آمده، زندگی محله دروازه غار از نزدیک تجربه و حس شود و به عنوان فردی از درون محله به زندگی و دنیای این مردم نگاه شود. زیرا از آن‌جا که هدف این پژوهش نه فقط شاد کردن بلکه فراهم آوردن بستر شادکامی برای مردم دروازه غار است، خود این مردم و نیازها و خواسته‌هایشان باید نقش مهمی در روند مداخلات و نزدیک شدنشان به شادکامی بازی کنند. پس نیاز است تا عوامل به‌دست آمده از پژوهش‌های شادکامی و بعد نظری آن با داده‌های حاصل از دیده‌ها و گفتگوها یکی شوند تا مسیر آینده نظری پژوهش شکل بگیرد. با توجه به روند یادشده، پس از بررسی‌های تجربی انجام‌شده و تجربه‌های به‌دست آمده در محله مورد نظر، نتیجه گرفته شد که شادکامی مردم دروازه غار از رضایت این مردم از زندگی‌شان سرچشمه خواهد گرفت و شرط لازم برای پدید آوردن شادکامی، پدید آوردن حس رضایت از زندگی و رضایتمندی محیطی است. پس لازم دانسته شد تا نوشته‌های مربوط به رضایتمندی و عوامل آن بررسی شود تا چارچوب نظری پژوهش برای رسیدن به شادکامی از راه برقرار کردن

۳-۴- شادکامی، رضایتمندی محیطی<sup>۶</sup> و کیفیت زندگی<sup>۷</sup>

کیفیت زندگی به‌عنوان مفهومی جامع، ترکیبی از جنبه‌های عینی و ذهنی است که جنبه ذهنی آن به سطح رضایت فردی اشاره دارد و جنبه عینی آن مربوط به شرایط واقعی زندگی افراد است. برخی معتقدند که بخش عمده‌ای از جنبه عینی کیفیت زندگی به ویژگی‌های محیطی و وضعیت سکونت فرد بستگی دارد، بنابراین می‌توان کیفیت محیط زندگی را جزئی از بعد عینی این مفهوم در نظر گرفت. به‌ویژه، رضایت از محل سکونت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی کیفیت زندگی شناخته می‌شود (Potter and Cantatero 2006). محل زندگی تأثیرات عمیقی بر سلامت و رفاه افراد دارد و رفاه اجتماعی نیز تحت تأثیر تعامل عوامل محیطی و اجتماعی قرار می‌گیرد. این عوامل شامل مواردی همچون آب‌وهوا، ویژگی‌های جغرافیایی، کیفیت منابع طبیعی و همچنین شیوه‌های زندگی است. در این فضاها، کالاهای، خدمات و حمایت‌های اجتماعی جابجا و مبادله می‌شوند و نوع و شدت این مبادلات می‌تواند بر رضایت یا ناراضی‌تی افراد تأثیر بگذارد.

کارشناسان مطالعات شهری، شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی رضایت از محیط زندگی معرفی کرده‌اند. این شاخص‌ها شامل توجه به فعالیت‌های مناسب قبل از تمرکز بر نظم بصری محیط، استفاده از کاربری مختلط چه از نظر نوع استفاده و چه از نظر تنوع سنی بناها، توجه به اهمیت خیابان‌ها و نفوذپذیری بافت شهری - که به معنی استفاده از بلوک‌های شهری کوچک‌تر است - اختلاط اجتماعی، انعطاف‌پذیری فضاها، تعامل اجتماعی و اهمیت بالای سطح بهداشت طبق استانداردهای بهداشتی پذیرفته‌شده، دسترسی به خدمات بهداشتی مفید و در دسترس برای تمامی ساکنان، کیفیت مناسب کالبدی محیط، مسکن، ایجاد فضاهای سالم و محله‌های فعال و معنادار است. همچنین، رفع نیازهای اساسی هر شهروند، وجود روابط اجتماعی مناسب، اقتصاد پایدار و خودکفا، تنوع فعالیت‌های فرهنگی، سرزندگی، هویت، کنترل، دسترسی به فرصت‌ها، خلاقیت و شادی، اصالت و معنا، زندگی اجتماعی و همگانی، و خوداتکایی از دیگر مؤلفه‌های مهم محسوب می‌شوند (Hajinejad, Rafieiann, and Zamani 2011).

۳-۵- رضایتمندی از محله<sup>۸</sup>

محله به‌عنوان واحد بنیادی محیطی، مکانی است که زندگی اجتماعی انسان‌ها در آن شکل می‌گیرد. این فضا به‌طور هم‌زمان ابعادی اجتماعی و فیزیکی دارد و شامل محل‌های مسکونی است که در آن بسیاری از فعالیت‌های روزمره و ضروری مانند خرید، سرگرمی و تعاملات اجتماعی با دیگران انجام می‌شود (Forrest and Kearns 2001).

عوامل مؤثر بر رضایت ساکنان محله را می‌توان در دو بعد اجتماعی و فیزیکی تقسیم‌بندی کرد. از یک سو، ابعاد فرهنگی - اجتماعی محله، که به‌طور مستقیم به فعالیت‌های جمعی و ویژگی‌های فرهنگی خاص هر محله وابسته است، نقش برجسته‌ای در رضایت ساکنان دارد. از سوی دیگر، کیفیت فیزیکی محله، مانند نبود خطرات شهری و دسترسی مناسب به خدمات، تأثیر زیادی بر احساس رضایت ساکنان می‌گذارد. به‌طور کلی، نقش کیفیت اجتماعی محله در تأمین رضایت افراد از کیفیت فیزیکی آن اهمیت بیش‌تری دارد. همچنین، ویژگی‌های فیزیکی محله، مانند دسترسی به خدمات شهری و میزان خطرات شهری، به‌طور مستقیم بر رضایت افراد تأثیر می‌گذارد. به‌طور مشخص، دسترسی بهتر به خدمات موجب افزایش رضایت و وجود خطرات شهری می‌تواند اثرات منفی بر این احساس بگذارد. برخی از پژوهشگران بر این باورند که کیفیت پایین محیطی محله، دسترسی محدود به امکانات و تسهیلات شهری و وضعیت امنیتی نامناسب، از جمله عوامل اصلی هستند که بر میزان رضایت ساکنان تأثیر می‌گذارد (Woldoff 2002). گروه دیگری از پژوهش‌ها نیز بر اهمیت روابط اجتماعی و پیوستگی‌های اجتماعی در محله‌های مسکونی به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده سطح رضایت افراد تأکید کرده‌اند (Parkes, Kearns, and Atkinson 2002). رضایت از محله مسکونی نتیجه ارزیابی‌های پیچیده و ترکیبی است؛ که ساکنان از نیازهای اجتماعی و فیزیکی خود در آن محله انجام می‌دهند (Lu 1999). کیفیت فضا، تنوع، امنیت و فراهم آوردن شرایط مناسب در محیط، عواملی هستند که باعث ایجاد انگیزه برای حضور افراد و ارتباطات اجتماعی می‌شوند؛ که در نهایت به تقویت تعاملات میان ساکنان کمک می‌کند (Ebrahimnia, Rahimi, and shahbazi 2022). تعاملات میان افراد محله و ارتباطات اجتماعی آن‌ها، که از طریق رفتارهایی مانند گفتگو، مشارکت در فعالیت‌های مشترک، حل مسائل محله به صورت جمعی و غیره شکل می‌گیرد، تأثیر قابل توجهی بر احساس رضایت از محیط زندگی دارد (Lee, Oropesa, and Kenan 1994). پیوندهای اجتماعی رسمی و غیررسمی میان همسایگان باعث شکل‌گیری یک اجتماع محلی می‌شود که در نهایت منجر به تقویت حمایت اجتماعی در میان ساکنان محله خواهد شد. مشارکت در این اجتماع محلی به‌عنوان نوعی سرمایه‌گذاری عاطفی در نظر گرفته می‌شود. تعاملات جمعی همسایگان که حاصل روابط اجتماعی پایدار است، تأثیر به‌سزایی در تعیین میزان رضایت از محله دارند. مشکلات موجود در بافت فیزیکی محله، مانند ساختمان‌های نیمه‌تمام یا ویرانه‌ها، عدم دسترسی به امکانات شهری، آسیب‌های زیرساختی و غیره باعث ایجاد احساس بی‌نظمی و فقدان نظارت در میان ساکنان می‌شود. این وضعیت، به‌طور قابل توجهی، می‌تواند موجب

خرسندی ساکنان از محیط زندگی‌شان اثر بگذارد. این وضعیت از آن جهت اهمیت دارد که فقدان خدمات و امکانات مناسب در چنین بافت‌هایی، اغلب نشان‌دهنده سطوح پایین امنیت و سلامت عمومی است و به این ترتیب، زمینه را برای شکل‌گیری انگ اجتماعی و احساس ناخوشایند در مورد آن مکان فراهم می‌آورد (Woldoff 2002). به علاوه، نارضایتی از محیط سکونت، فشارهای سنگین اجتماعی و روانی متعددی را بر افراد تحمیل می‌کند و احتمال ابتلا به مشکلات جسمی و روانی را در آنان افزایش می‌دهد (Ross and Mirowsky 2009).

پژوهش‌های گوناگون آشکار ساخته‌اند که میزان خرسندی از محیط زندگی، پیوندی استوار با تمایل یا عدم تمایل افراد به تغییر مکان سکونت دارد (Brower 2003; Lee et al. 1994). به‌طور کلی، هم ویژگی‌های کالبدی و دسترسی به امکانات شهری و میزان آسیب‌پذیری‌های محیطی، و هم کیفیت روابط همسایگی شامل تعاملات و حس مسئولیت جمعی، نقش به‌سزایی در ارزیابی مثبت ساکنان از محله ایفا می‌کنند. سهولت دسترسی به خدمات و تسهیلات شهری نظیر حمل‌ونقل عمومی و مراکز آموزشی از یک سو، و پایین بودن سطح تهدیدات محیطی مانند آلودگی هوا و تراکم ترافیک از سوی دیگر، به شکل‌گیری نگرش مثبت افراد نسبت به محله‌شان کمک می‌کند. در مقابل، سطح بالای تعاملات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، با ایجاد حس تعلق و پاسخگویی به بخشی از نیازهای اجتماعی افراد، زمینه را برای ارزیابی مطلوب از محله فراهم می‌سازد و در نتیجه، سطح رضایت‌مندی ساکنان ارتقا می‌یابد. بررسی‌ها نشان داده‌اند که برخی از شاخص‌های محله‌ای با احساس رضایت از آن و همچنین سطح سلامت گزارش‌شده‌ی افراد مرتبط هستند. این شاخص‌ها شامل وجود فضاهای سبز، دسترسی به محیط‌های آرام، میزان وقوع جرم، حجم ترافیک و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی می‌باشند (Bowling et al. 2006). به نظر می‌رسد که وجود نواحی سبز در محله و تعامل روزانه ساکنان با طبیعت، ارتباطی مستقیم و تنگاتنگ با وضعیت سلامت آنان دارد (Takano, Nakamura, and Watanabe 2002). شواهد حاکی از آن است که تداوم جرم و جنایت در یک محله می‌تواند به‌طور بالقوه منجر به بروز افسردگی و اضطراب در میان ساکنان آن شود.

یافته‌های تحقیق طبییبیان و منصور در سال ۱۳۹۲، اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر میزان رضایت از محیط سکونت را به شرح زیر مشخص می‌سازد: نخست هویت جمعی و تعاملات اجتماعی ساکنان؛ دوم، پویایی و نشاط حاکم بر فضاهای عمومی محله؛ سوم، فقدان آلاینده‌های زیست‌محیطی؛ چهارم، حس وابستگی و دلبستگی به محله؛ پنجم، کیفیت و طراحی فضاهای همگانی در سطح محله؛ و در نهایت، سهولت دسترسی به خدمات و امکانات مورد نیاز.

کاهش پیوندهای اجتماعی و در نتیجه کاهش رضایت از محیط زندگی گردد (Hipp 2009; 2010). بنابراین، برخی بر این باورند که تأثیرات محیط فیزیکی در تعیین میزان رضایت افراد از محیط زندگی، نسبت به جنبه‌های اجتماعی آن از اهمیت بیش‌تری برخوردار است.

چنان‌که اشاره شد، در گذشته پژوهشگران حوزه شهرسازی عمدتاً بر تأثیرات ظاهری و فیزیکی محله در سطح رضایت ساکنان تأکید می‌کردند و در بسیاری از موارد، این ویژگی حتی از جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی در تحقیقات آن‌ها برجسته‌تر به نظر می‌رسید (Sirgy and Cornwell 2002). تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که در حالی که زیبایی ظاهری ممکن است برای افرادی که تازه به محله وارد شده‌اند اهمیت داشته باشد، اما برای ساکنان قدیمی، این عامل نسبت به جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محله اهمیت کم‌تری دارد.

بسیاری از پژوهش‌ها در زمینه رضایت از محله انجام شده است که هرکدام عوامل مختلفی را به‌عنوان تعیین‌کننده‌های رضایت معرفی کرده‌اند. برخی از محققان این عوامل را در سه گروه اصلی طبقه‌بندی کرده‌اند: (۱) ویژگی‌های فردی ساکنان، (۲) ارزیابی ذهنی افراد از خصوصیات محله و (۳) ویژگی‌های عینی و واقعی محله. در این میان، ارزیابی ذهنی ویژگی‌های محله از اهمیت بیش‌تری نسبت به دو عامل دیگر برخوردار به نظر می‌رسد (Parkes et al. 2002).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محلات با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتر معمولاً سطح رضایت بیش‌تری را در ساکنان خود نسبت به سایر محلات ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر، عواملی چون بهداشت، پاکیزگی و کیفیت مطلوب ساختمان‌ها تأثیر مثبتی بر رضایت ساکنان از محله دارند، در حالی که تراکم جمعیت زیاد در یک محله می‌تواند موجب کاهش رضایت شود. ویژگی‌های فردی نیز غالباً از طریق تأثیر انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های افراد بر میزان رضایتشان تأثیرگذارند؛ به‌طور مثال افراد جوان به‌طور معمول از میانسالان و سالمندان رضایت کم‌تری دارند (Parkes et al. 2002). بر اساس برخی مطالعات، خانواده‌های دارای فرزند معمولاً از محل سکونت خود رضایت بیش‌تری ابراز می‌کنند. این موضوع ممکن است به این دلیل باشد که چنین خانواده‌هایی به‌منظور تأمین امنیت و رفاه فرزندان‌شان، محله‌هایی را انتخاب می‌کنند که از نظر کیفیت و ایمنی بالاتر باشند، به همین دلیل سطح رضایتشان بیش‌تر از افراد بدون فرزند است (Parkes et al. 2002). همچنین افرادی که از وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتری برخوردارند یا تحصیلات بالاتری دارند، نسبت به محیط زندگی خود احساس رضایت بیش‌تری دارند (Harris 2001).

فشارهای محیطی نامطلوب در سطح محله، از جمله تنگدستی، بزهکاری و آشفته‌گی‌های اجتماعی و همچنین تفکیک‌های نژادی، می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر میزان

## جدول ۲: شاخص‌های رضایتمندی از محیط

منبع	شاخص‌ها
(McMillan and Chavis 1986)	شاخص‌های ایجاد احساس جمعی <sup>۳</sup> : احساس عضو بودن، تاثیرگذاری، برآورده شدن نیازها و ارتباط عاطفی مشترک،
(Bonaiuto, Fornara, and Bonnes 2003)	دسترسی به خدمات، کیفیت فضاهای سبز، روابط اجتماعی، خدمات رفاهی، خدمات تجاری، دسترسی به حمل و نقل عمومی، ایمنی و امنیت، سلامت، احساس تعلق به محله، و مطبوع بودن مکان از نظر زیباشناسی،
(Chapman 2005)	مرکز محله و حس مرکزیت مکان، اختلاط کاربری‌ها، نفوذپذیری بافت، تعاملات اجتماعی در محله و مشارکت در فعالیت‌های جمعی، وابسته نبودن به اتومبیل، دسترسی به تجهیزات شهری، دسترسی به خدمات موردنیاز روزانه، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، احساس امنیت اجتماعی، ایمنی در فضاهای محله، و طراحی برای بهبود وضعیت خرده اقلیم،
(Kowaltowski et al. 2006)	مرکز محله، ارزیابی فضاهای سبز، روابط اجتماعی، ارزیابی واحدهای مسکونی، کاهش استفاده از اتومبیل، استفاده از دوچرخه به جای اتومبیل، احساس ایمنی و امنیت، بررسی جنبه‌های زیباشناسانه‌ی ساختمان‌های محله، ارزیابی فضاهای عمومی، و شناسایی نشانه‌ها در محله،
(Choguill 2008)	مرکز محله، کیفیت فضاهای سبز برای تفریح و ملاقات افراد در درون محله، تعاملات اجتماعی بین ساکنان محله، راحت و ایمن بودن پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، وابسته نبودن به اتومبیل، دسترسی به خدمات موردنیاز روزانه، و فضای سبز به اندازه کافی،
(Bramley and Power 2008)	صمیمانه بودن رابطه ساکنان، ایمنی در فضاهای محله، ثبات و تمایل به ادامه سکونت، احساس تعلق و وابستگی به محله، و مکانی که شأن و منزلت می‌بخشد.
(Sedaghatnia et al. 2013)	کیفیت واحد مسکونی، شرایط مناسب برای کودکان، خدمات آموزشی، خدمات تجاری، تجهیزات خصوصی و عمومی، نزدیکی به محل کار، حمل و نقل عمومی، تجهیزات آسایشی، خدمات بهداشتی، امنیت و ایمنی، و ارتباط اجتماعی با همسایگان،
(Tabibian and Mansouri 2013)	مسئولیت در برابر محله، ارتباط محله با سایر نقاط شهر، تعاملات اجتماعی در محله و مشارکت در فعالیت‌های جمعی، تعامل با مدیران شهری، تداعی خاطرات در مکان‌ها، احساس تعلق و وابستگی به محله، مکانی که شأن و منزلت می‌بخشد، مطبوع بودن مکان از نظر زیباشناسی، صمیمانه بودن رابطه ساکنان با یکدیگر، اختلاط کاربری، مرکز محله و حس مرکزیت مکان، فضاهای باز کافی بین ساختمان‌ها، دسترسی به خدمات موردنیاز روزانه، امن بودن تردد شبانه در محله، کیفیت فضای بازی کودکان، نبود آلودگی‌های صوتی در محله، دسترسی به فضای سبز، ثبات و تمایل به ادامه سکونت، خوانایی، کیفیت فضاهای سبز برای تفریح ساکنان و ملاقات افراد در محله، نبود آلودگی‌های زیست‌محیطی، نفوذپذیری، نقاط شاخص، دسترسی به مرکز شهر، وابسته نبودن به اتومبیل، سهولت و ایمن بودن پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، کیفیت واحد مسکونی، احساس امنیت اجتماعی در فضاهای محله، طراحی برای بهبود وضعیت خرده اقلیم، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، دسترسی به تجهیزات شهری، و نبود زمین‌های خالی و مخروبه.

## ۴. روش پژوهش

از آن‌جا که شکل‌گیری و تحول شهرها، محلات، کوی‌ها و گذرگاه‌ها اساساً بر پایه زندگی و تعاملات انسانی استوار بوده و متقابلاً این فضاها بر ساکنان خود اثر می‌گذارند، پژوهش حاضر برای درک عمیق‌تر این زمینه، از رویکرد مردم‌نگاری شهری بهره جسته است که به عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی شناخته می‌شود. هدف اصلی در مردم‌نگاری، ارائه توصیفی دقیق، حساس و مبتنی بر مشاهدات موشکافانه از شیوه زندگی گروه‌هایی است که با پژوهشگر تفاوت دارند. در این راستا، محقق به شکلی

فعال در زندگی روزمره و موقعیت مورد مطالعه مشارکت نموده و وقایع معمول و فعالیت‌های جاری را آن‌گونه که در بسترهای طبیعی رخ می‌دهند، مورد بررسی قرار می‌دهد. علاوه بر این، رخدادهای غیرمعمول نیز از دیدگاه پژوهشگر دور نمی‌مانند.

برخلاف برخی استراتژی‌های پژوهشی دیگر، مردم‌نگار معمولاً نقش یک ناظر صرفاً جدا و غیرفعال را ایفا نمی‌کند. بلکه به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و تلاش می‌کند تا از طریق تعامل نزدیک با افراد مورد مطالعه یا آگاهان محلی، به بینش‌های ارزشمندی دست یابد. فرآیند تحقیق در

چارچوب نظری پژوهش و تحلیل‌های انجام‌شده، به سمت مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و ساختاریافته تغییر جهت دادند.

محله هرندی یا دروازه غار، با تنوع قومیتی قابل توجه و طیفی از ساکنان که شامل افراد دارای خانه ملکی یا استیجاری و همچنین بی‌خانمان‌های ساکن در پارک محله می‌شود، عرصه‌های متعددی با تفاوت‌های عمیق و چشمگیر در وضعیت اجتماعی-اقتصادی، معانی فرهنگی، هویت‌ها و قواعد رفتاری را در برابر پژوهشگر قرار می‌دهد. این پژوهش مردم‌نگارانه، با تمرکز متعهدانه بر طیفی از گروه‌های فرودست شهری و تلاش برای درک جهان آن‌ها و فهم برداشت آن‌ها از جهان، قصد دارد معانی و اشارات ذهنی مرتبط با شادکامی، رضایت از زندگی و رضایت از محله را در میان ساکنان این محله جستجو کرده و پیش‌فرض‌های ناخودآگاه ذهنی نسبت به این افراد را به چالش بکشد. در این رویکرد، توجه به شیوه نگارش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ سازماندهی متن حول محور صحنه‌های غنی از معنا یا مفاهیم و مضامین کلیدی، به گونه‌ای که خواننده با جریان زندگی در آن بستر آشنا شود، نه با دغدغه‌های مربوط به سیاست‌های نگارشی در قالب بخش‌های مجزا و از پیش تعیین‌شده.

مردم‌نگاری از طریق همین تعاملات با افرادی که جزء اصلی مطالعه را تشکیل می‌دهند، پیش می‌رود. این تعاملات اشکال گوناگونی به خود می‌گیرند، از گفتگوها و مصاحبه‌ها گرفته تا مشارکت در تجربیات آیینی و عاطفی مشترک (Saghafian 2019).

پژوهش حاضر با التزام به اصول بنیادین پژوهش انسان‌شناختی دقیق و معتبر - که اینگولد آن را شامل تعهد، توجه سخاوتمندانه، رابطه و حساسیت به زمینه و بستر می‌داند- انجام شده است. در طول این پژوهش، محقق تلاشی برای تفکیک میان «حضور در یک وضعیت» و «کسب شناخت درباره آن» قائل نشده است. انجام تحقیقات میدانی در این پژوهش به گونه‌ای طراحی شده است که پرسش‌های تحقیق مستلزم فهم، درک و توصیف یک گروه از افراد در حال تعامل با یکدیگر باشد. از این رو، محقق میدانی افراد را در محیط طبیعی زندگی‌شان مورد مطالعه قرار داده و این پیش‌فرض وجود دارد که واقعیت به شکلی پویا در دل متن و محیط طبیعی جهان اجتماعی جریان دارد. روش‌های اصلی به کار گرفته‌شده برای شناخت این بستر عبارتند از: «مشاهده مشارکتی»، «ثبت رفتارهای مشاهده‌شده» و «مصاحبه‌های عمیق» - که این مصاحبه‌ها در مراحل اولیه به صورت بدون ساختار انجام شدند و در مراحل بعدی، همزمان با تکامل

شکل ۱: مسیرهای پیموده‌شده در محله دروازه‌غار جهت مشاهده و آشنایی با بستر در گام‌های پیش از شروع مصاحبه‌ها



#### ۴-۱- معرفی و بررسی مورد مطالعاتی

##### - موزاییک آسیب‌شناختی دروازه‌غار

دروازه‌غار به‌مثابه یک پهنه حاشیه‌ای در قلب شهر تهران، میزبان ساکنانی با پیشینه‌های مهاجرتی گوناگون است که در عین حال که در ساختار شهری ادغام می‌شوند، اشکال مختلفی از طرد اجتماعی و اقتصادی را تجربه می‌کنند. این محله همواره کانون سکونت خانوارهای با بنیه مالی محدود بوده و ساکنان آن، نمونه‌ای بارز از طبقه فرودست شهری به‌شمار می‌روند که هم از منظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی در حاشیه قرار گرفته‌اند. روایات تاریخی

متفاوتی درباره شکل‌گیری اولیه این محله وجود دارد؛ برخی معتقدند که ساکنان نخستین آن، اصفهانی‌ها و عرب‌هایی بودند که به شغل آجرپزی اشتغال داشتند، در حالی که روایتی دیگر بر نقش بارفروشان تأکید می‌کند که با فروش سبزیجات و میوه در این ناحیه و سپس ساخت‌وساز، به پیدایش آن کمک کردند. در گذشته، این محله در طول روز به عنوان بازار فروش محصولات کشاورزی عمل می‌کرد و در شب، پاتوقی برای سارقان و دلالان اموال مسروقه بود. امروزه، دروازه‌غار محل سکونت خانواده‌هایی با تنوع قومیتی شامل فارس، لر، ترک، غربت و همچنین مهاجران افغانستانی است.

کنند. مواجهه مستقیم با افراد این طبقه، پوچ بودن این کلیشه‌ها و رفتارهای مبتنی بر آن‌ها را آشکار می‌سازد. نقل قول‌های زیر، تصویری از شرایط اجتماعی و کالبدی این محله ارائه می‌دهند:

«تمام مصرف‌کنندگان یا بهبودیافته‌های مورد اطلاعم جلوی چشم بودند؛ مگر آن‌ها انسان نبودند؟ مگر نمی‌شدند؟ شما نمی‌دانید از چه چیزی حرف می‌زنید، فقط یک تصویر دارید، تصویری که از واقعیت بسیار دور است، تصویری که باعث می‌شود فکر کنید شما خیلی خوب هستید و آن‌ها خیلی بد، تا خیالتان راحت باشد و وجدانتان آسوده، ولی واقعیت این نیست، فقط ما نیستیم که انسان هستیم».

در این محله، افراد با باورهای مذهبی و غیرمذهبی، رفتارهای متعارف و غیرمتعارف، وضعیت سلامت جسمی و روانی متفاوت، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. ساکنان دروازه‌غار را شاید بتوان بر اساس الگوی مصرف مواد مخدر و میزان ارتباط با اقتصاد رسمی، به دو گروه عمده تقسیم کرد. گروه اول، معمولاً متولد تهران هستند، سرپرست خانوار در بخش رسمی اقتصاد مشغول به کار است (مانند کار در کارگاه‌های بازار، رانندگی برای آژانس یا کار اداری) و مشکل اعتیاد در خانواده یا وجود ندارد یا محدود و پنهان است.

گروه دوم شامل بی‌خانمان‌ها و افرادی است که اگرچه در خانه‌ها یا اتاق‌های استیجاری زندگی می‌کنند، اما شیوه زندگی آن‌ها بیش‌تر شبیه به بی‌خانمان‌های محله است. بیش‌تر ساکنان این گروه را مهاجران تشکیل می‌دهند که عمدتاً در اقتصاد غیررسمی فعالیت دارند؛ دستفروشی، گدایی، خرده‌فروشی مواد مخدر، خرید و فروش اموال مسروقه و مشاغل مشابه، منابع درآمد این گروه را تشکیل می‌دهند. همچنین، خانواده‌های این دسته از ساکنان معمولاً ساختار یک خانواده هسته‌ای کامل را ندارند. بسیاری از روابط زناشویی بر اساس صیغه است و خانواده‌ها از این نظر ماهیتی موقت دارند. برای برخی از زنان این گروه، ازدواج نوعی معامله بوده که در ازای امنیت، سرپناه، مواد و حمایت مالی حاضر به آن شده‌اند. گاهی اوقات، یک زن، به ویژه اگر فرزند داشته باشد، برای رهایی از بی‌خانمانی در پارک، حاضر به ازدواج موقت با یک مرد می‌شود. به وفور می‌توان کودکانی را دید که با مادر و بدون پدر زندگی می‌کنند، یا کودکانی که با عمه، خاله، مادربزرگ و سایر اقوام زندگی می‌کنند. این دسته از خانوارها ممکن است به طور مداوم بین زندگی زیر یک سقف و پارک در رفت و آمد باشند. در این خانوارها، اعتیاد یک مسئله جدی است و بزرگسالان و کودکان به طور یکسان در معرض سوءمصرف مواد قرار دارند.

«هیچ‌کدام از اعضای خانواده‌شان معتاد نیستند، همه سالم و از نظر اخلاقی هم مشکلی ندارند. با این حال، خانه‌شان توی دروازه‌غار است، یک خانه قدیمی که رنگ و رویش ریخته، دیوارهایش پوسته‌پوسته شده، وسط حیاط هم

ساختار اجتماعی دروازه‌غار از دیرباز با نابسامانی‌هایی نظیر فقر، بزهکاری و شهرت منفی دست به‌گریبان بوده است. این وضعیت، با توجه به استمرار فقر، موج‌های مهاجرت به این منطقه و فرسودگی شدید در بافت کالبدی و اجتماعی آن، همچنان تداوم یافته است. سابقه تاریخی بدنامی و تداوم جرم و جنایت در دروازه‌غار، در کنار وضعیت نابسامان کالبدی آن، سبب شده است که پس از تخریب محله خاک سفید، این منطقه به کانون اصلی آسیب‌های اجتماعی در تهران بدل گردد. ارزیابی شاخص کیفیت قلمرو اجتماعی در منطقه هرندی نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب آن است.

نرخ بی‌سوادی در محله هرندی تقریباً چهار برابر میانگین شهر تهران و حدود ۲۷ درصد گزارش شده است. همچنین، میزان ترک تحصیل در میان دختران و پسران این محله بسیار بالا و تقریباً سه برابر میانگین تهران است. نسبت کودکان شاغل یا در جستجوی کار در این محله به رقم نگران‌کننده ۲۲ درصد رسیده است. هرندی با ۱۰ درصد بالاترین میزان مصرف سیگار در میان زنان شهر تهران را به خود اختصاص داده است. سطح اختلالات روانی در این محله به حدی است که تنها ۲۳ درصد از ساکنان آن از سلامت روانی برخوردارند. به طور میانگین، ۷۵ درصد از مردم این محله علائم افسردگی را نشان می‌دهند، در حالی که میانگین افسردگی در تهران ۳۶ درصد است. در هرندی، ۴۴ درصد از خانوارها فاقد هرگونه پوشش بیمه درمانی هستند که این میزان دو برابر میانگین تهران است. نرخ بیکاری در این محله به ۲۰ درصد می‌رسد و ۴۶ درصد از ساکنان آن مستأجر هستند. میزان پس‌انداز خانوارها در این محله تقریباً صفر بوده و ۹۳ درصد از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این شاخص‌ها و آمارها به وضوح در خیابان‌ها، پارک‌ها و کوچه‌های این محله قابل مشاهده است (Saghafian 2019).

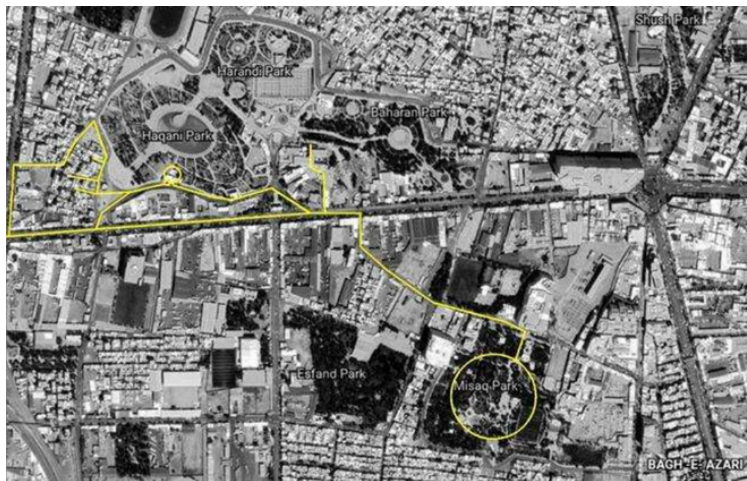
محله فقیرنشین هرندی، ملغمه‌ای از آسیب‌های اجتماعی گوناگون است. تنوع در بسیاری از شاخص‌های اجتماعی نظیر گستردگی قومیتی در میان طبقه فرودست و اشکال مختلف آسیب‌های اجتماعی، به ویژه اعتیاد، کار کودکان و زنان سرپرست خانوار، نیازی به بررسی دقیق ندارد و خود به عنوان یک پدیده شهری آشکار است. سازمان‌های مردم‌نهاد با تأکید بر وخامت اوضاع، این محله را چنین توصیف کرده‌اند: «وضعیت اعتیاد در هرندی تأسف‌بار است». روسپی‌گری، اعتیاد و بی‌خانمانی، سه مسئله اجتماعی فراگیر و شایع در این محله به‌شمار می‌روند. این محله با ساکنان رنگارنگ، معانی فرهنگی متنوع و قواعد رفتاری متفاوت خود، تصور یکدست و هم‌گون رایج از مناطق حاشیه‌ای را به چالش می‌کشد. پژوهشگران و طبقه متوسط اغلب تمایل دارند تا از طبقه فرودست یک کلیت یکپارچه بسازند و همه چیز را در مورد آن‌ها بر اساس همین تصور کلی تحلیل کرده، از آن‌ها فاصله گرفته و آن‌ها را به موضوع نگاه از بالا تبدیل، تحقیر و محکوم

هم یاد می‌گیرن. خانم‌ها استقبال می‌کردند...»  
 «... من هیچ کسی رو ندارم که این رو [پسر ۱۳ ساله‌ام] بهش بسپارم تا راهنمایش کند... خودم کلاس می‌روم، مشاوره می‌گیرم، که بتوانم به پسر کمک کنم...»  
 «... با هم برویم پارک، سینما، گردش. اصلاً چنین تجربه‌هایی نداریم با هم...»

مردم‌نگاری انجام‌شده در محله هرندی نشان داد که حدود ۱۷۰۰ کارتن‌خواب در پارک‌های این محله زندگی می‌کردند که ۷۰۰ نفر از آن‌ها زن بودند. بسیاری از این زنان تلاش می‌کردند به زندگی «عادی» بازگردند، هرچند که این زندگی با مفهوم «زندگی عادی» طبقاتی متفاوت است. زنانی که از اعتیاد بهبود یافته بودند، نمونه‌هایی از این تلاش‌ها بودند، آن‌ها که پیشینه و ظاهرشان مانعی برای بازگشت به زندگی عادی و کار شده بود. گاهی حتی خانواده‌ها بعد از بهبودی هم از پذیرش آن‌ها امتناع می‌کردند. سبک زندگی آزاد آن‌ها در دوران بی‌خانمانی، بازگشت به ساختار اجتماعی و قواعد زندگی را برایشان دشوار کرده بود. آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از مصرف مواد نیز گاهی غیرقابل جبران بود و پیگیری فعالیت‌های روزانه را برای آن‌ها سخت می‌کرد. در عملیات جمع‌آوری معتادان متهاجر، تقریباً ۵۰۰ زن در پارک حقانی دستگیر و به کمپ شفق منتقل شدند. بقیه نیز پراکنده، پنهان و آواره شدند، در زیر بازارچه یا در خرابه‌های محله.  
 «انگیزه ندارم ترک کنم، ترک کنم که چه شود؟ برگردم پیش خانواده‌ام؟ که دوباره معتاد شوم؟...»  
 «سحر هم مانند بسیاری از بهبودیافته‌ها با مشکلات مالی زیادی دست و پنجه نرم می‌کرد. پیدا کردن کار با دندان‌های سیاه و افتاده و پوست سوخته از آفتاب و سرما، به دلیل بی‌خانمانی، تقریباً غیرممکن بود.»

دم حوض می‌نشستند و رخت می‌شستند...» دروازه‌غار همیشه با بدنمایی همراه بوده. «جالب است که وقتی صحبت از آسیب‌های اجتماعی می‌شود، اولین جایی که به ذهن می‌آید دروازه‌غار است. خوب، آیا در نیاوران اعتیاد وجود ندارد؟ فساد اداری و دزدی فقط در دروازه‌غار است؟ تن‌فروشی تو باقی نقاط تهران نیست؟»  
 در این محله، میزان هزینه‌ای که خانوارها برای تفریح و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی صرف می‌کنند، بسیار محدود است. شرکت در کلاس‌های آموزشی برای بیش‌تر افراد امری تجملاتی محسوب می‌شود و تنها کلاس‌های رایگان یا با هزینه کم که توسط شهرداری برگزار می‌شود، این امکان را به زنان و فرزندانشان می‌دهد تا تجربیات جدیدی کسب کنند. مردان محله به دلیل کارهای طاقت‌فرسا زمان کمی در خانه می‌گذرانند، بنابراین مسئولیت مدیریت این فعالیت‌ها بیش‌تر بر عهده زنان است. برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی که شهرداری برای تحقق اهداف خود تدوین کرده، به ندرت در رسیدن به اهداف موفق بوده‌اند. در گذشته، زنان در فرهنگسراهایی مانند فرهنگسرای خواجه‌کرمانی (هرندی) با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی خود، توانسته بودند برنامه‌های نیمه‌تمام شهرداری را به شیوه خود پیش ببرند. این مشارکت‌ها موجب افزایش اعتماد به نفس زنان می‌شد و درک آن‌ها از نقش خود به عنوان موجوداتی ضعیف که تنها در منزل مفیدند را تغییر می‌داد. زنان در تلاش برای آموزش و ارتقاء سطح فرهنگی خود و خانواده‌شان به دنبال تحرک اجتماعی بودند.  
 «این کلاس‌ها (کلاس‌های فرهنگسرا) باعث شد خیلی تغییر کنم.»  
 «... خیلی اعتقاد داشتیم که خانم‌ها اگر یاد بگیرن، بقیه

شکل ۲: مسیر پژوهشگر برای مصاحبه و مشاهده در بافت محله، خانه خورشید و پارک میثاق



باشند، اما به خوبی آگاهند که این وضعیت، مطلوب و خوشایند نیست و به نظر می‌رسد خود را ناگزیر از سازگاری با آن می‌بینند...

- گزیده‌ای از تجربیات زندگی مردم دروازه غار<sup>۱</sup>  
 + غم و اندوه به جزئی لاینفک از تجربه زیسته آنان بدل گشته است. شاید خود این افراد احساس سوگواری نداشته

حضور داشته باشید، احساس وحشت خواهید کرد... افراد با سابقه اعتیاد اغلب سر به زیر و بی‌آزار هستند... اما میزان سرقت در این منطقه بالاست...  
 + اگر شهرداری اندکی توجه کند... به نظافت بپردازد... فضای سبز ایجاد کند... این دروازه به تازگی نصب شده است...  
 + ما تمایل داریم به افراد با سابقه اعتیاد کمک کنیم تا مشغول به کار شوند... اما حضور آن‌ها در محل کار نامنظم است...  
 + ابتدا باید افراد با سابقه اعتیاد از سطح محله جمع‌آوری شوند... در این صورت، اعتماد عمومی باز خواهد گشت... این افراد بومی این منطقه نیستند... آن‌ها از نقاط دیگر به این‌جا می‌آیند و تجمع می‌کنند. این مکان به مرکز تجمع آن‌ها تبدیل شده است.  
 + ایجاد یک شهربازی مناسب و یک کتابخانه می‌تواند فضایی فراهم کند تا مردم همراه با خانواده‌هایشان به این مکان بیایند.  
 + تعداد افراد با سابقه اعتیاد در این منطقه بسیار اندک است... اما به دلیل وفور فروشندگان مواد مخدر، افراد از سراسر کشور به این‌جا می‌آیند... آن‌ها ساکن این منطقه نیستند.  
 + این‌جا برای ما به مثابه وطن شده است؛ اگرچه اصالتاً آذربایجانی هستیم، اما در همین مکان بزرگ شده‌ایم. این منطقه در مرکز شهر و در نزدیکی بازار و مترو قرار دارد.  
 + این قسمت میانی را که خاکی است می‌بینید؟ قبلاً درخت و آب در این‌جا وجود داشت... این‌گونه تغییرش دادند.  
 + وضعیت حمام عمومی نامناسب و مخروبه شده است... در طول شب و روز خطرناک است.  
 + امنیت کافی وجود ندارد. میزان سرقت بالاست.  
 + افراد با سابقه اعتیاد جمع‌آوری شده‌اند، اما تعداد فروشندگان مواد مخدر زیاد است. این افراد به خانه‌های مخروبه پناه می‌برند... هم مواد در دسترس است و هم مکانی برای خواب... همچنین در طول شب و ظهر به آن‌ها غذا داده می‌شود... نیکوکاران به محله‌های خودشان نمی‌روند تا به این افراد غذا بدهند... این‌جا به مرکز همه چیز تبدیل شده است... فروشندگان و خانه‌های قدیمی خالی...  
 + من ۶۵ سال است که در این مکان زندگی می‌کنم... افراد بومی این منطقه معتاد نیستند... آن‌ها از مناطق دیگر می‌آیند.  
 + در این محله، فروشگاه مرغ و میوه وجود ندارد.  
 + خودروها می‌آیند و مشروبات الکلی و مواد مخدر می‌فروشند و من نمی‌توانم اعتراضی کنم... زیرا مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرم.  
 + مردم باید احساس کنند که در این مکان رها نشده‌اند.  
 + باید جمعیت این منطقه افزایش یابد... فروشگاه‌ها و مراکز عرضه محصولات تازه نیز باید ایجاد شوند. در حال

+ همان بوستانی که در مجاورت این مکان واقع شده است؟ بله، پیرامون آن حصارکشی شده... گویی مردم را از خود رانده و برای ورود، ارائه کارت شناسایی ملی الزامی است. همان‌طور که می‌دانید، بخش اعظم ساکنان این محله را مهاجران افغانستانی و افراد بی‌خانمان تشکیل می‌دهند... بنابراین، این افراد و فرزندانشان امکان ورود به آن را ندارند...  
 + می‌دانید چه زمانی مسئله این منطقه حل خواهد شد؟ آن هنگام که حتی پس از برداشتن موانع فیزیکی، افراد با سابقه اعتیاد تمایلی به ورود به آن نداشته باشند. این است معنای واقعی حل مسئله... نه وضعیت کنونی که این افراد در سرتاسر محله پراکنده شده‌اند.  
 + شادی برای این افراد مترادف با احساس رضایت از کلیت زندگی‌شان است... نه تقلیل دادن مفهوم شادی به چند لحظه آتش‌بازی و جشن‌های مناسبتی زودگذر... فردای آن چه خواهد شد؟  
 + به جای سینما شباهنگ، تنها مرکز تفریحی محله، برج‌های مسکونی سر به فلک کشیده‌اند... خانه کودک شوش و مرکز ریحانه ویژه دختران نیز تخریب و به واحدهای تجاری بدل گشته‌اند... زمانی یک فرهنگسرا به نام خواجوی کرمانی در این مکان وجود داشت که دارای کتابخانه و میز پینگ‌پنگ برای تفریح کودکان بود... اما پس از پروژه‌های ساختمانی، آن نیز از میان رفت.  
 + طرح‌های توسعه‌ای که در این منطقه پیاده‌سازی شده‌اند، هیچ‌کدام نتایج مطلوبی به بار نیاورده‌اند... این مکان به منزله زباله‌دان شهر عمل می‌کند... هر آن‌چه که مورد نیاز نیست و کارایی ندارد، در اینجا رها می‌شود... گویی این افراد به حاشیه رانده شده و احساس انزوا می‌کنند...  
 + به نظر می‌رسد تمامی راهکارها در نهایت به مسئله آموزش ختم می‌شوند.  
 + تغییرات پایدار باید به وقوع بپیوندد... به عنوان مثال، افرادی که سابقه مصرف مواد مخدر داشته و اکنون بهبود یافته‌اند، می‌توانند منشأ تحول شده و یک فرآیند پایدار را در این زمینه ایجاد کنند.  
 + ما به مدت پنج سال متوالی از ساکنان این منطقه نظرسنجی انجام داده‌ایم و در هر پنج سال، فقدان امنیت به عنوان مهم‌ترین مشکل از سوی مردم مطرح شده است...  
 + ما در این مکان فرصتی برای پرداختن به مفهوم خوشحالی نداریم. اغلب ساکنان این منطقه دچار افسردگی هستند.  
 + محله آلوده و نابسامان است... با فرارسیدن شب، همه جا مملو از افراد با سابقه اعتیاد می‌شود... وضعیت کنونی که به راحتی در آن تردد می‌کنید، فریبنده است... دیدن این افراد روحیه را تخریب می‌کند.  
 + اینجا نیازمند پاکسازی اساسی است... وضعیت بهداشتی بسیار نامناسب است.  
 + این محله به طور کلی نادیده گرفته شده است. آیا از وضعیت خیابان‌ها رضایت دارید؟ اگر شب در این مکان

+ فساد افزایش یافته است... هر کاری که بخواهند انجام می‌دهند.  
+ باید ساخت و ساز انجام شود. جمعیت در این منطقه کم است. افراد از تمامی اقشار باید به این جا بیایند تا این مسائل حل شود. وقتی یک فرد با سابقه اعتیاد نتواند از دیوار خانه مردم بالا برود، نمی‌تواند دزدی کند... با نوسازی، آن‌ها به تدریج از این منطقه خواهند رفت.

حاضر، این منطقه خلوت و کم‌جمعیت است. با افزایش جمعیت، امنیت نیز افزایش خواهد یافت.  
+ فضای بازی کودکان مناسب است... باید توسعه یابد... خانواده‌های سالم نیز به این منطقه خواهند آمد.  
+ هیچ امکاناتی در این اطراف وجود ندارد.  
+ نام این منطقه بد در رفته است... با نوسازی و بازسازی، رشد و توسعه اتفاق خواهد افتاد... فعالیت‌های غیرقانونی در چنین شرایطی نمی‌توانند علنی شوند.

شکل ۳: مسیر پژوهشگر برای مصاحبه و مشاهده از مترو پانزده خرداد و بازار، کاروانسرای خانات، بقعه سرقبرآقا، میدان شوش، بازار بلورفروش‌ها و مرکز خرید جهیزیه، المان دروازه غار، مدرسه کودکان کار صبح رویش، قهوه‌خونه رمضون یخی، مغازه شاغلام، بافت محله دروازه غار و مغازه‌ها



را به آن‌ها نشان می‌دهیم، به امید آن‌که به موفقیت دست یابند. با این حال، همواره به این نکته واقفیم که با موجودی پیچیده به نام انسان روبه‌رو هستیم.  
+ کوچه‌ها و خیابان‌های مجاور بازار از آسیب‌های اجتماعی کم‌تری رنج می‌برند. اما گذرگاه‌های فرعی و محدوده‌های زیر بازارچه، به‌ویژه کوچه قالیشورها، با آسیب‌های اجتماعی بیش‌تری مواجه هستند. تعداد آشپزخانه‌های غیربهداشتی در این مناطق زیاد است.  
+ هنگامی که چرخه معیوب آسیب‌های اجتماعی را مشاهده کردیم، آموزش و توانمندسازی کودکان را به عنوان تنها راه نفوذ به این چرخه یافتیم. هدف ما این است که به آن‌ها نشان دهیم مسیری متفاوت از آنچه در حال حاضر تجربه می‌کنند، وجود دارد. در عین حال، تلاش می‌کنیم ضمن تقدیر از تلاش آن‌ها برای کسب روزی حلال، گزینه‌های بهتری را پیش روی آن‌ها قرار دهیم.  
+ مشکل اساسی این است که آن‌ها درک روشنی از

+ ضعف بنیادین فرهنگی در این منطقه به شدت مشهود است. حتی اگر این خانواده‌ها از وضعیت مالی مناسبی برخوردار باشند، به ویژه در میان گروه غربتی‌ها، باز هم کودکان سه یا چهار ساله را برای کسب درآمد به چهارراه‌ها می‌فرستند. نگرش غالب در این جوامع این‌گونه است که کودک به عنوان منبع درآمد تلقی شده و با بزرگ شدن، همین رویه را در قبال فرزندان خود در پیش می‌گیرد و به این ترتیب، چرخه آسیب‌های اجتماعی در محله تداوم می‌یابد.  
+ نخستین گام اساسی، ترغیب این افراد به سوی آموزش و مدرسه است... در ابتدای امر، نه خود آن‌ها و نه خانواده‌هایشان، ضرورت تحصیل را درک نمی‌کردند.  
+ اغلب کودکان در مشاغل غیررسمی و ناپایدار مانند حمل بار با گاری در بازار مشغول هستند. ما تلاش می‌کنیم با معرفی مهارت‌های متنوع و شناسایی استعدادهای آن‌ها، آموزش‌های ترکیبی ارائه دهیم. ما مسیرهای پیشرفت

است... اکنون سفره ما خالی از نان است...  
 + پارک دارای محدودیت زمانی است... یک در، آن طرف  
 و دیگری این طرف قرار دارد... خیابان بسیار ناامن است...  
 گاهی از عبور از این خیابان هراس دارم... خودروها با  
 سرعت سرسام‌آوری حرکت می‌کنند... روزانه دو سه  
 تصادف در این مکان مشاهده می‌کنم.  
 + مدتی فضای نامناسبی در این‌جا حاکم بود. کودکی که  
 از پنجره به بیرون نگاه می‌کرد، چه چیزی می‌توانست  
 بیاموزد؟  
 + آن‌ها عاشق این محله هستند. عاشق این هستند  
 که کنار یکدیگر باشند. بعد از ظهرها جلوی در خانه‌ها  
 می‌نشینند، خاطرات گذشته را مرور می‌کنند... با هم  
 صحبت می‌کنند... ارتباطات انسانی است که این مکان را  
 زنده نگه داشته است.

خواست‌های خود برای زندگی آینده ندارند... آن‌ها  
 تصویر واضحی از یک وضعیت مطلوب برای خود ترسیم  
 نکرده‌اند...

+ من در این مکان (اشاره به محوطه آسفالت‌شده) یک  
 مغازه ساندویچی داشتم؛ آن‌جا محل کسب و کارم بود.  
 این طرف یک کبابی قرار داشت. آن‌جا دو بستنی‌فروشی  
 روبه‌روی هم بودند که یک گاری فالوده نیز در میان آن‌ها  
 به فروش می‌رسید. این‌جا یک نانویی بود و آن‌جا یک  
 قصابی. این محله بسیار پر رونق بود. شب‌ها در پیاده‌رو  
 جای ایستادن پیدا نمی‌شد. تمامی مغازه‌ها مشتری  
 داشتند... از آن مسیر راهی به بازار منتهی می‌شد. من  
 در مغازه ساندویچی روزانه ۵۰ نان را نصف می‌کردم و به  
 مشتریان می‌دادم. حتی در پایان وقت، شاگردم ۲۰ تا ۳۰  
 ساندویچ دیگر می‌فروخت. اکنون در این اطراف پیدا کردن  
 یک ساندویچی که روزانه ۱۰ مشتری داشته باشد، دشوار

شکل ۴: مشخص کردن پهنه‌های کم‌آسیب و پرآسیب محله (آسیب اجتماعی)



قسمت زرد رنگ کم‌آسیب و قرمز پرآسیب است.

## ۵. یافته‌ها

نخستین گام در این پژوهش، حضور در محله و انجام  
 مطالعات میدانی با هدف شناسایی و استخراج عوامل مؤثر  
 بر شادکامی از منظر و تجربه زیسته ساکنان دروازه‌غار بود.  
 با این حال، پس از تحلیل داده‌های حاصل از مشاهدات و  
 مصاحبه‌های مقدماتی، این نتیجه حاصل شد که احتمالاً  
 رابطه تنگاتنگی میان شادکامی و رضایتمندی در این بافت  
 اجتماعی وجود دارد. به عبارت دیگر، ارتقاء سطح رضایت  
 از زندگی در میان ساکنان این محله می‌تواند به طور قابل  
 توجهی منجر به افزایش میزان شادکامی آنان شود؛ در غیر  
 این صورت، تحقق شادکامی در میان این گروه جمعیتی  
 بسیار دور از انتظار خواهد بود. بر این اساس، فرضیه‌ای  
 مطرح گردید مبنی بر این‌که ایجاد و ارتقاء شادکامی در

ساکنان دروازه‌غار مستلزم ایجاد احساس رضایت از زندگی  
 در آن‌ها است. در پی این یافته، تصمیم بر آن شد تا  
 مبانی نظری رضایتمندی و مؤلفه‌های آن مورد مطالعه و  
 استخراج قرار گیرد. هدف از این اقدام، طراحی پرسش‌های  
 جدید برای مصاحبه با گروه هدف بر اساس این مؤلفه‌ها  
 بود تا مشخص شود چه عواملی می‌توانند سطح رضایت از  
 زندگی را در میان ساکنان این محله ارتقا داده و در نهایت  
 به شادکامی آن‌ها منجر شوند. با تکمیل چارچوب نظری  
 پژوهش از این طریق، امید است که مبنایی برای اقدامات  
 عملی در این محله فراهم آید.  
 پس از منطبق کردن معیارهای رضایتمندی از محله با  
 پرسش‌های پژوهش حاضر و بستر مورد مطالعه، معیارهایی  
 با تأثیر بیش‌تر بر رضایتمندی گروه هدف انتخاب شدند.

## جدول ۳: مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایتمندی از دید ساکنین

مؤلفه‌های رضایتمندی	ابعاد هر مؤلفه
امنیت	عدم وجود گروه‌های نامتجانس، شریان‌های ارتباطی ایمن (پیاده‌روی راحت و ایمن)، نفوذپذیری بافت و نظارت پذیری
اجتماعی	کنش‌های متقابل ساکنان، تعلق به محله، اختلاط اجتماعی، تداعی خاطره در مکان، قلمرو و قلمرویی، فضاهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی ساکنین، صمیمیت، و وجود فضاهای مناسب گروه‌های سنی و اقشار مختلف
عدم وجود آلودگی	بصری، زیست‌محیطی، صوتی، و وجود افراد ناخواسته و مصرف‌کنندگان مواد مخدر
دید و منظر و فضای سبز	وجود فضاهای باز و کافی میان ساختمان‌ها و وجود فضاهای سبز شهری و محله‌ای
عملکرد	وجود خدمات مورد نیاز روزانه و دسترسی به آن‌ها در سطح محله‌ای، برخورداری از امکانات زندگی، برخورداری از نیازهای اولیه و اختلاط کاربری‌ها
کالبد	برخورداری از ایمنی در محله به‌واسطه دسترسی‌ها، تاسیسات و غیره، و عدم وجود ساختمان‌های نیمه‌کاره و مخروبه

به دلیل ساختار مردسالارانه و وضعیت اقتصادی حاکم بر این محله، احتمال نادیده گرفته شدن یا مواجهه آن‌ها با خشونت خانگی وجود دارد و ضروری است که مورد توجه قرار گرفته و برای ساختن زندگی بهتر برای خود و فرزندانشان آموزش ببینند. لذا، در بازدیدهای آتی از دروازه‌غار، بخشی از پرسش‌ها به گونه‌ای طراحی گردید تا علاوه بر تحلیل‌های پژوهشگر، خود ساکنان نیز در تعیین گروه‌های هدف مشارکت نموده و مسیر پژوهش از طریق تعامل و تبادل نظر میان مردم محله و پژوهشگر شکل گیرد.

علاوه بر این، بررسی دقیق ظرفیت‌های تاریخی، هویتی و اقتصادی این محله نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود. هدف آن بود تا با تلفیق و در نظر گرفتن تمامی این عوامل، یک برنامه جامع برای مداخله طراحی گردد که بتواند به ارتقاء سطح رضایت از زندگی و شادکامی ساکنان دروازه‌غار منجر شود.

اعتیاد به عنوان یکی از معضلات بنیادین در دروازه‌غار مطرح است. در این محله، دو گروه از افراد با سابقه مصرف مواد مخدر قابل شناسایی هستند. گروه نخست، ساکنان بومی دروازه‌غار را شامل می‌شود. گروه دوم، افرادی هستند که به دلیل تسهیلات موجود برای تهیه و مصرف مواد - که می‌تواند ناشی از حضور فروشندگان، خلوت بودن نسبی محله، شهرت منفی آن، وجود ساختمان‌های متروکه و سیمای فرسوده محله باشد - به این منطقه رفت و آمد کرده و به گسترش آلودگی به اعتیاد در آن دامن زده‌اند. در خصوص گروه اول، یعنی ساکنان محلی، تجربه نشان داده است که طرح‌های ضربتی جمع‌آوری افراد با سابقه مصرف و اعمال روش‌های قهری، نه تنها کارآمد نبوده بلکه مغایر با اصول انسانی نیز می‌باشد. از این رو، رویکردی ضروری است که فرد منحرف‌شده را از طریق اراده و تصمیم شخصی به سوی تغییر و بازگشت به زندگی سالم

در این مقطع از پژوهش، تعیین دقیق گروه هدف از میان طیف بسیار متنوع ساکنان دروازه‌غار (با لحاظ نمودن سایر گروه‌های جمعیتی و اجتناب از نادیده‌انگاری آن‌ها) امری ضروری تلقی می‌شد. اتخاذ تصمیم پیرامون این‌که چه کسانی مخاطب اصلی تلاش‌ها برای ارتقاء شادکامی خواهند بود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. عدم تعیین چنین محدودیتی می‌توانست منجر به ابهام و غلبه احساسات ناشی از مشاهدات و تمایل به پرداختن به تمامی مشکلات ساکنان محله گردد و این خطر وجود داشت که آرمان‌گرایی غیرواقع‌بینانه، مسیر پژوهش را منحرف سازد. از آن‌جا که حل یک‌باره تمامی مسائل و مشکلات این محله امری غیرممکن است، تمرکز بر رفع بخشی از چالش‌های ساکنان دروازه‌غار می‌تواند به ارتقاء کیفیت زندگی گروهی از آنان منجر شده و بدین ترتیب، هدف اصلی این پژوهش محقق گردد.

پس از تعامل نزدیک با بافت اجتماعی این محله و درک عمیق از جریان زندگی در آن، دو گروه جمعیتی به عنوان کانون توجه برای ادامه پژوهش قابل شناسایی هستند. نخست، زنانی که پس از گذراندن دوره ترک اعتیاد و خروج از مراکز بازپروری، فاقد سرپناه و فرصت شغلی برای بهبود کیفیت زندگی خود هستند. این فقدان، یکی از عوامل اصلی بازگشت آن‌ها به بی‌خانمانی در پارک‌ها و تداوم چرخه آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. دوم، ساکنان عادی و اغلب نادیده گرفته‌شده‌ی دروازه‌غار، به ویژه زنان و کودکان، که در خانواده‌هایشان معضل اعتیاد یا وجود ندارد یا به صورت محدود و پنهان است، اما به واسطه سکونت در این محله، آسیب‌هایی نظیر فقدان امنیت و شیوع افسردگی را تجربه می‌کنند. کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، زیرا آینده هر جامعه‌ای توسط آن‌ها رقم می‌خورد و آموزش می‌تواند مسیر زندگی کاملاً متفاوتی را برایشان رقم بزند. زنان نیز حائز اهمیت هستند؛

تعریف می‌شود که در آن ابعاد محیطی، اجتماعی و روانی به‌طور هم‌افزا و هم‌زمان عمل می‌کنند. به عبارت دقیق‌تر، شادکامی ساکنین این محله، حاصل هم‌افزایی بهبود شرایط فیزیکی محیط (از طریق مداخلات معماری و نوسازی فضاهای عمومی)، تقویت حس امنیت و اعتماد اجتماعی (از طریق ایجاد پایگاه‌های خدمات محلی و ارتقای مشارکت مردمی) و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر (به ویژه زنان و کودکان) است. در این چارچوب، شادکامی تجربه‌ای است که از بهبود کلی شرایط زندگی ناشی می‌شود؛ جایی که ساکنان از نوسازی فضاهای عمومی، افزایش امکانات رفاهی، تقویت حس امنیت و مشارکت فعال اجتماعی بهره‌مند شده و در نتیجه اعتماد به آینده و حس تعلق به جامعه را تجربه می‌کنند. همچنین، توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر، به‌ویژه زنان و کودکان، از طریق ارتقای سطح آموزش و ایجاد فرصت‌های اقتصادی و حمایتی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تعریف شادکامی مطرح شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که با به‌کارگیری مداخلات معماری و برنامه‌های جامع بهبود محیطی، می‌توان به‌طور موثری به پاسخ پرسش‌های تحقیق دست یافت و مسیر تحقق شادکامی در میان ساکنین این محله را هموار ساخت.

راهبرد محوری که از دل مبانی نظری پژوهش و مطالعات مردم‌نگارانه برآمده است، معطوف به دگرگونی هویت و انگ کنونی متناسب به دروازه‌غار و تخصیص کارکردی نوین به آن می‌باشد. در این راستا، مداخله در این محله در دو سطح مجزا پیگیری خواهد شد. در سطح راهبردی کلان، حوزه مداخله شامل پیشنهاداتی با هدف ارتقاء وضعیت کلی محله است. ایجاد مراکز خدمات محلی مبتنی بر مشارکت فعال نیروهای مردمی و داوطلبان بومی، به منظور ارائه خدمات به ساکنان کم‌بضاعت و رفع معضلات اجتماعی و ناامنی، می‌تواند تجربه‌ای موفق در راستای کاهش مشکلات و آسیب‌های محله به‌شمار آید. برخلاف تصورات رایج و نگرش‌های منفی موجود در افکار عمومی نسبت به دروازه‌غار، سطح مشارکت اجتماعی در این محله قابل توجه است و این امر، به ویژه در زمینه کمک‌رسانی و فعالیت‌های خیرخواهانه، نمود بیش‌تری می‌یابد. ضرورت توجه به مراکز خدمات محلی به عنوان بازوی کمکی برای نهادهای دولتی و انتظامی، در کنار بهره‌گیری از ظرفیت بالای مشارکت ساکنان و تقویت حس تعلق و احترام به محله، آشکار است. بهسازی این محله می‌تواند از یک گذرگاه یا در مقیاس پهنه منتخب که سطح خرد مداخله پیشنهادی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، آغاز شده، به تدریج گسترش یابد و حوزه نفوذ خود را به سطح کل محله و حتی فراتر از آن ارتقاء دهد و به‌طور مستمر، واکنشی فعال در برابر چالش‌های موجود نشان دهد.

در ادامه، جدولی مشتمل بر اهداف و سیاست‌های مورد انتظار در سطح کلان مداخله در محله دروازه‌غار ارائه شده است.

سوق دهد. صرف نظر از علل متعددی که به اعتیاد منجر می‌شوند و شرح آن‌ها در حیطه این پژوهش نمی‌گنجد، یکی از عوامل گرایش به اعتیاد و سوء‌مصرف مواد، ناشی از شرایط نابسامان اجتماعی و آسیب‌پذیری افراد، به ویژه از نظر روانی، و همچنین فقدان انگیزه و امید به زندگی است. در میان این دسته از افراد مبتلا، که تعدادشان نیز قابل توجه است، این احتمال وجود دارد که با فراهم شدن انگیزه‌های زندگی و مشاهده بهبود شرایط زندگی پس از ترک اعتیاد در میان افراد عادی همان جامعه، تمایل به بهبودی و ورود به چرخه زندگی روزمره در آن‌ها تقویت شود.

در خصوص گروه دوم، یعنی مصرف‌کنندگانی که به‌طور موقت به این محله رفت و آمد دارند، ضروری است با ارتقاء سطح امنیت و بهبود کیفیت محیطی، به تدریج از شهرت منفی و جایگاه آن به عنوان مقصد این قشر کاسته شده و هویت تازه‌ای برای آن تعریف گردد.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مداخلات معمارانه و طراحی شهری به‌عنوان ابزارهای تحول محیطی، نقشی اساسی در بازتعریف هویت فضا و ارتقای حس رضایتمندی ساکنین دارند. به طور مشخص، بهبود کیفیت فضاهای عمومی نه‌تنها جنبه بصری و وضعیت فیزیکی محیط را ارتقا می‌دهد بلکه موجب تقویت حس امنیت و تعلق در بین ساکنان می‌شود. افزون بر این، ایجاد پایگاه‌های خدمات محلی با مشارکت فعال مردمی به عنوان عاملی محرک برای تقویت شبکه‌های اجتماعی و تعاملات فرهنگی و اجتماعی، به بهبود شرایط محیطی و روانی ساکنان کمک می‌کند. در مجموع، ترکیب ظرفیت‌های معماری و بهره‌گیری از زیرساخت‌های موجود، زمینه‌ساز افزایش رضایتمندی از زندگی و تحقق شادکامی پایدار در میان ساکنان محله دروازه‌غار می‌گردد.

تحلیل‌های میدانی و مصاحبه‌های عمیق انجام‌شده، مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، اجتماعی و محیطی را به‌عنوان موانع اصلی در مسیر تحقق شادکامی شناسایی نموده‌اند. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به فرسودگی و ناهماهنگی ساختاری محیط، عدم وجود نوسازی‌های منظم و کمبود امکانات ضروری نظیر فضاهای سبز، ورزشی و فرهنگی اشاره کرد. علاوه بر این، مسائل مربوط به ناامنی محیطی، بروز معضلات اجتماعی همچون اعتیاد و فساد، به همراه فقدان تعاملات موثر اجتماعی و ضعف شبکه‌های مشارکتی، به‌طور مستقیم بر کاهش کیفیت زندگی ساکنان تأثیر منفی گذاشته و حس ناامنی و عدم اعتماد به محیط زیست شهری را تقویت نموده است. این عوامل به‌صورت ترکیبی به‌عنوان محرک‌های ناشادکامی و موانع جدی در مسیر دستیابی به یک محیط زندگی رضایتمند و پایدار در محله دروازه‌غار عمل می‌کنند.

از منظر این پژوهش و بر اساس تحلیل تجربه زیسته ساکنین این محله، شادکامی به‌عنوان یک پدیده چندبعدی

## جدول ۴: اهداف تا سیاست‌های مورد انتظار در سطح کلان اقدام در محله دروازه‌غار

اهداف	هدف عینی	وضعیت موجود	وضعیت مطلوب	سیاست
بهبود وضعیت اجتماعی - فرهنگی ساکنین محله دروازه‌غار	ارتقاء امنیت اجتماعی ساکنین محله دروازه‌غار	فعالیت شبکه‌های سازمان‌یافته برای توزیع مواد مخدر در قالب خانه‌های تیمی؛ وفور فضاهای شهری باز و بدون نظارت کافی؛ فقدان تجهیزات مناسب شهری به منظور تأمین روشنایی در ساعات تاریکی؛ شیوع انواع گوناگون رفتارهای مجرمانه و آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت، زورگیری، کیف‌زنی و اعمال خشونت در سطح محله	محله از نظر مسائلی مانند اعتیاد، سرقت، خشونت و نقاط بی دفاع شهری امن باشد.	ضرورت همکاری گسترده‌تر با سازمان‌ها و نهادهای مرتبط به منظور ارتقاء پیوسته و اطمینان‌بخش سطح امنیت در محله؛ ایجاد بسترهای لازم برای شکل‌گیری شبکه‌های محلی از فعالان در زمینه مقابله با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر؛ توسعه و افزایش تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی (از قبیل سرقت، خشونت و اخاذی) در سطح محله؛ ترسیم چشم‌اندازی از وضعیت مطلوب زندگی برای ساکنان محله با هدف تقویت انگیزه و امید به زندگی و گسستن چرخه آسیب‌های اجتماعی؛ اتخاذ رویکرد پیشگیرانه از جرم از طریق طراحی محیطی مبتنی بر اصول CPTED
بهبود وضعیت اجتماعی - فرهنگی ساکنین محله دروازه‌غار	افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت محله	سطح مشارکت مردم در طراحی و اجرای برنامه‌های محله مقیاس پایین است.	ارتقاء سطح مشارکت و نقش‌آفرینی شهروندان در فرآیند طراحی و پیاده‌سازی طرح‌های محلی، به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی؛ تقویت جایگاه و افزایش مسئولیت افراد معتمد و بانفوذ محلی در مشارکت و مدیریت امور مربوط به محله	گسترش دامنه مشارکت شهروندان در اداره امور شهری از طریق ایجاد سازمان‌ها و گروه‌های فعال مدنی؛ تاسیس و تقویت نهادهای محلی متشکل از افراد مورد اعتماد جامعه با توانایی چانه‌زنی به منظور بهبود کیفی و کمی تسهیلات و امکانات موجود در سطح محله
توانمندسازی مردم ساکن در محله دروازه‌غار به خصوص زنان و کودکان	توانمندسازی مردم ساکن در محله	سطح مشارکت زنان در روند زندگی اجتماعی و میزان اختیار آن‌ها در انتخاب‌های پیش‌رو، به دلیل محدودیت فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی، در این محله پایین است. همچنین دسترسی به امکانات آموزشی و آگاهی از اهمیت آموزش از سنین کودکی در دروازه‌غار در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.	ارتقاء سطح توانمندی و اختیار تصمیم‌گیری در میان زنان و کودکان ساکن محله، با هدف ایجاد چشم‌اندازی مطلوب برای زندگی آنان و نیز تسهیل فرصت‌های کارآفرینی برای بانوان محله از طریق آموزش‌های هدفمند	ایجاد و تسهیل فرصت‌های آموزشی برای ساکنان محله، با تأکید ویژه بر توانمندسازی زنان و کودکان؛ ایجاد زمینه‌های مساعد برای کسب و کارهای مستقل و خودگردان توسط بانوان
بهبود وضعیت کالبدی - زیرساختی محله دروازه‌غار	ایجاد یکپارچگی و بهبود کیفیت بصری محیط شهری با هدف تأمین آسایش دیداری، ارتقاء جایگاه اجتماعی و افزایش امنیت روانی ساکنان شهر	منظر نامطلوب حاشیه معابر در این محدوده شهری مشهود است؛ وجود کاربری‌های نامتجانس و مزاحم نظیر مراکز بارگیری و انبارهای وابسته به بازار در سطح محله؛ وفور اراضی بایر و متروکه در محله	محله منظر مناسبی داشته باشد؛ پهنه عام مسکونی و تجاری تفکیک شوند؛ اراضی بایر تعیین تکلیف شده باشد.	بهبودسازی کاربری اراضی بایر و متروکه از طریق الحاق آن‌ها به واحدهای مسکونی مجاور؛ اصلاح و ساماندهی کاربری‌های نامتجانس (صنعتی و کارگاهی) با هدف ارتقاء کیفیت منظر شهری؛ واردسازی کاربری‌های تجاری منتخب، نظیر فروشگاه‌های بلور، به بافت محله؛ بهبود و نوسازی مبلمان شهری موجود؛ ساماندهی و ایمن‌سازی فضاهای شهری آسیب‌پذیر، به ویژه در سطح محله

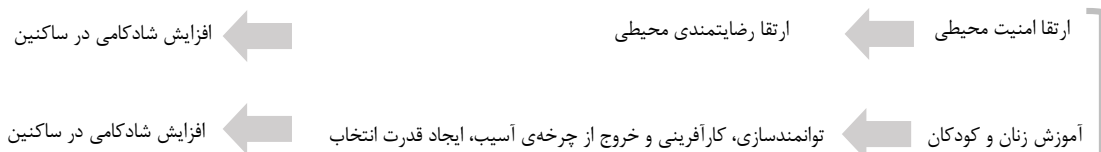
اهداف	هدف عینی	وضعیت موجود	وضعیت مطلوب	سیاست
بهبود وضعیت کالبدی - زیرساختی محله دروازه‌غار	بهبود کیفیت دسترسی سواره در سطح محله دروازه‌غار	کم‌عرض بودن پیاده‌روها و عریض‌بودن سواره‌روی محله؛ وجود گره‌های ناایمن ترافیکی؛ عدم خوانایی بسیاری از کوچه‌ها؛ معابر سطح محله دارای مشکل تردد بوده و سرعت زیاد وسایل نقلیه در خیابان‌های اصلی مزاحمت‌هایی برای ساکنین ایجاد کرده است.	در صورت امکان تعریض پیاده‌رو در راستای آرماسازی محله و افزایش امنیت و در نظر گرفتن مسیرهای پارکینگ حاشیه‌ای	مدیریت بار ترافیکی معابر محله و جلوگیری از ورود و تحمیل ترافیک جدید به سطح معابر محله؛ ارتقاء فرهنگ ترافیک؛ استفاده از تمامی ظرفیت‌های مراکز علمی، مذهبی، فرهنگی و سازمان‌های مردم نهاد (NGO) و غیره به منظور اصلاح رفتارهای ترافیکی شهروندان در محله؛ تأمین پارکینگ مورد نیاز؛ بازگشایی معابر کم‌عرض محله با تجمیع و نوسازی املاک واقع در کوچه (ایجاد شبکه متصل در بافت)؛ خوانایی کوچه‌ها به ویژه مکان‌هایی که تخریب شده است.
	ارتقاء کیفیت و ایمنی مسکن ساکنان محله دروازه‌غار	پایین‌بودن کیفیت مسکن ساکنان محله و استفاده از مصالح کم‌دوام در ساخت و ساز مسکن توسط ساکنان	ارتقاء کیفیت ساخت و ساز	برگزاری دوره‌های آموزشی برای بالا بردن کیفیت ساخت و ساز در سطح محله
	تأمین خدمات عمومی محله دروازه‌غار	کمبود پارکینگ‌های عمومی در سطح محله	تأمین پارکینگ مورد نیاز برای تمامی پروژه‌های نوساز	احداث پارکینگ در سطح محله
	کمبود فضاهای بهداشتی - درمانی در سطح محله	کمبود فضاهای بهداشتی - درمانی در سطح محله	دسترسی تمامی ساکنین محله به مراکز بهداشتی - درمانی	احداث فضاهای درمانی در مقیاس محله در زمین‌های فاقد کاربری
	کمبود فضاهای سبز تجهیز شده در مقیاس محلی	کمبود فضاهای سبز تجهیز شده در مقیاس محلی	تجهیز فضاهای رها شده موجود در محله	تجهیز مبلمان شهری برای فضاهای رها شده محله و تبدیل آن‌ها به فضای سبز محلی
بهبود وضعیت زیست‌محیطی - بهداشتی محله دروازه‌غار	کاهش آلودگی‌های معابر و جدول‌های سطحی در محله دروازه‌غار از طریق ساماندهی جمع‌آوری زباله‌های خانگی	ریختن زباله‌های خانگی و کارگاهی در داخل معابر و جدول‌ها	دفع مناسب زباله‌ها و پس‌ماندها	دسترسی مناسب به سطل‌های زباله به‌خصوص در معابر با عرض کم؛ آموزش شهروندان
	دفع مناسب پس‌ماندهای خانگی و کارگاهی در سطح محله	پس‌ماندهای کارگاهی و خانگی در سطح محله جریان دارد، به‌ویژه در داخل کوچه‌های با عرض کم.	دفع مناسب زباله‌ها و پس‌ماندها	جابجایی کاربری‌های ناسازگار در سطح محله؛ آموزش زندگی سالم شهری و محیط سالم شهری
	کاهش آلودگی‌های صوتی و بصری در سطح محله دروازه‌غار	در معابر و شریان‌های اصلی محله آلودگی صوتی مشهود است.	کاهش آلودگی‌های صوتی	تنظیم بار ترافیکی معابر اصلی محله؛ توسعه فضاهای سبز در حاشیه معابر اصلی

اهداف	هدف عینی	وضعیت موجود	وضعیت مطلوب	سیاست
بهبود وضعیت زیست‌محیطی - بهداشتی محله دروازه‌غار	بهبود کیفیت منظر شهری در سطح محله	مطابق بازدیدهای محلی، این محله دارای آلودگی منظر به‌خصوص در حاشیه خیابان موزی با خیابان شوش در جنوب محله و کاربری‌های ناسازگار در سطح محله می‌باشد.	بهبود کیفیت سیما و مناظر شهری (محله مقیاس) و تأمین آرامش بصری شهروندان	تعیین تکلیف نمودن زمین‌های فاقد کاربری و بابر در سطح محله؛ جابه‌جایی کاربری‌های ناسازگار در محدوده‌های مسکونی
	بهبود و ارتقاء مدیریت بحران‌های طبیعی و انسانی در سطح محله دروازه‌غار	وجود بافت‌های فرسوده در سطح محله باعث پایین آمدن امنیت ابنیه محله در برابر حوادث طبیعی و انسانی شده است؛ پایین بودن آگاهی مردم نسبت به بحران‌های طبیعی و انسانی	مقاوم بودن ابنیه در برابر حوادث طبیعی و انسانی؛ آشنایی تمامی شهروندان با نحوه امداد رسانی؛ مؤثر بودن شهروندان در مدیریت بحران‌های طبیعی و انسانی در سطح محله	نظارت دقیق‌تر بر ساخت و سازهای مردمی؛ افزایش آگاهی عمومی در برابر حوادث طبیعی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی توسط نهادهای متولی؛ مقابله با بحران‌های طبیعی و انسانی؛ ارتقاء نقش شهروندان در مدیریت بحران و مخاطرات محیطی و افزایش مستمر ایمنی محله
توانمندسازی اقتصادی ساکنین محله دروازه‌غار	توانمندسازی اقتصادی ساکنین محله دروازه‌غار	پایین بودن سطح درآمد و کیفیت زندگی در بین شهروندان محله دروازه‌غار نسبت به سایر محلات شهر تهران و منطقه ۱۲ تهران	بالارفتن سطح درآمد و کیفیت زندگی ساکنین محله دروازه‌غار	اجرای پروژه‌های ارزش‌افزا در سطح محله
	جذب سرمایه‌های بخش خصوصی به محله دروازه‌غار	پایین بودن قیمت زمین در این محله نسبت به سایر محلات شهر تهران سبب رغبت کم‌تر سرمایه‌گذار در این محله شده است.	سرریز سرمایه بخش خصوصی برای نوسازی محله	تسهیلات ویژه برای نوسازی در بافت‌های فرسوده محله؛ تسهیلات ویژه برای اجرای پروژه‌های خدماتی در سطح محله
توانمندسازی اقتصادی ساکنین محله دروازه‌غار	جذب سرمایه‌های بخش دولتی به محله دروازه‌غار	مشکلات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی و زیرساختی و کمبود خدمات عمومی در سطح محله دروازه‌غار	توجه ویژه مسئولین به محله دروازه‌غار و اقدام در رفع مشکلات محله	انجام برنامه‌ریزی و اقدامات مناسب و مؤثر برای کاهش مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و تأمین خدمات

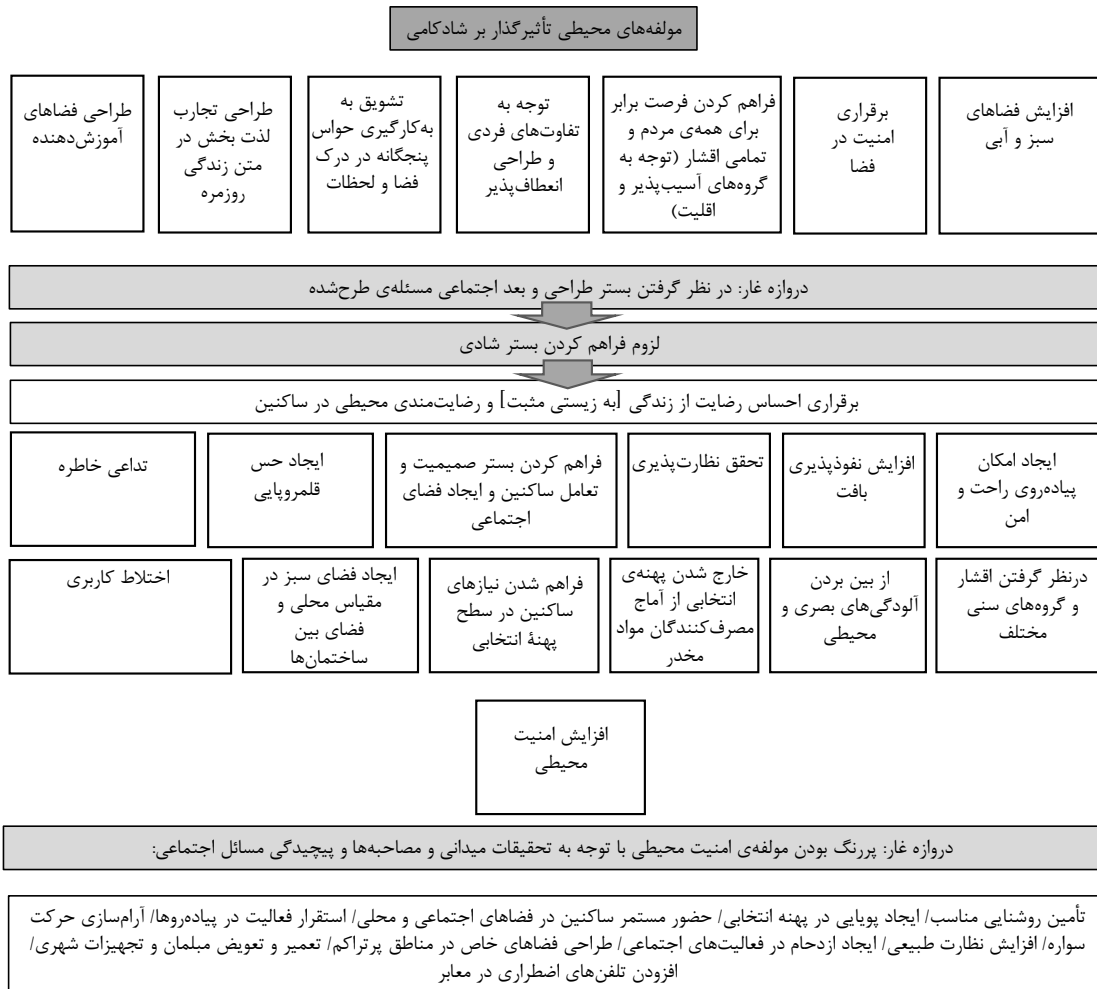
رضایت از زندگی و محیط، به ویژه تقویت حس امنیت در این گروه جمعیتی، زمینه‌ای تدریجی برای شادکامی کل جامعه محلی فراهم خواهد آورد. بر این اساس، ناحیه جنوب غربی این محله، واقع در تقاطع خیابان‌های شوش و خیام، به دلیل ترکیب جمعیتی خاص و ویژگی‌های اجتماعی پیش‌تر ذکر شده، به عنوان پهنه مداخله اولیه و الگویی برای توسعه‌های آتی در این محله و سایر محلات مشابه با هدف ایجاد شادکامی ساکنان و توسعه اجتماعی انتخاب گردید.

با استناد به چارچوب نظری پژوهش، یافته‌های حاصل از مطالعات مردم‌نگارانه و بررسی اسناد و مدارک که منجر به شناسایی عوامل و پیش‌شرط‌های لازم برای تحقق شادکامی در میان ساکنان دروازه‌غار گردید، این استنتاج حاصل شد که ایجاد بسترهای مناسب برای شادکامی زنان و کودکان این محله، توانمندسازی آنان و تأثیرگذاری بر ساختار اجتماعی و فرهنگی حاکم، می‌تواند گام نخستین و اساسی در راستای افزایش سطح شادکامی تمامی ساکنان باشد. این اقدام معمارانه، با اولویت‌بخشی به ارتقاء احساس

#### شکل ۵: مسیر ایجاد شادکامی برای ساکنین دروازه‌غار



## شکل ۶: مؤلفه‌های تاثیرگذار بر برنامه‌دهی طراحی در دروازه‌غار



## تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

## تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

## تأییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

## درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

## پی‌نوشت

۱. شرکت گالوپ (Gallup Inc) که در ایران بیش‌تر با نام مؤسسه گالوپ شناخته می‌شود، یک شرکت مشاوره مدیریتی است که بیش از همه چیز برای مؤسسه نظرسنجی گالوپ (Gallup Poll) شناخته شده است.

2. Happiness
3. Jacobs
4. Chapman
5. Life Satisfaction
6. Environmental Satisfaction
7. Quality of Life
8. Neighborhood Satisfaction
9. Sense of Community

۱۰. نوشته‌شده بر اساس مصاحبه با مردم ساکن در دروازه غار


## فهرست منابع

- Bok, Derek. 2010. *The Politics of Happiness*. Translated by Narges Salhshour. Tehran: Farhang Nashr-e No. [in Persian]
- Bonaiuto, Marino, Ferdinando Fornara, and Mirilia Bonnes. 2003. "Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in Urban Environments: A Confirmation Study on the City of Rome." *Landscape and Urban Planning* 65: 41-52. [https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(02\)00236-0](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(02)00236-0). [scirp.org](http://scirp.org)
- Bowling, Ann, John Barber, Richard Morris, and Shah Ebrahim. 2006. "Do Perceptions of Neighbourhood Environment Influence Health? Baseline Findings from a British Survey of Ageing." *Journal of Epidemiology and Community Health* 60(6): 476-483. <https://doi.org/10.1136/jech.2005.039032>. [bmcpublichealth.biomedcentral.com](http://bmcpublichealth.biomedcentral.com)
- Bramley, Glen, and Sinéad Power. 2009. "Urban Form and Social Sustainability: The Role of Density and Housing Type." *Environment and Planning B: Planning and Design* 36(1): 30-48. <https://doi.org/10.1068/b33129>. [ideas.repec.org+2researchportal.hw.ac.uk+2city-form.org+2](http://ideas.repec.org+2researchportal.hw.ac.uk+2city-form.org+2)
- Brower, Sidney. 2003. *Designing for Community*. College Park: University of Maryland Press.
- Carr, Alan. 2006. *Positive Psychology: The Science of Happiness and Human Strengths*. Translated by Hassan Pasha Sharifi and Jafar Najafi Zand. Tehran: Sokhan Publications. [in Persian]
- Chapman, David. 2005. *Creating Neighborhoods and Places in the Built Environment*. Translated by Manouchehr Tabibian and Shahrzad Faryadi. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Choguill, Charles L. 2008. "Developing Sustainable Neighborhoods." *Habitat International* 32(1): 41-48. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2007.06.007>. [journal-buildingscities.org+2journal-buildingscities.org+2link.springer.com+2](http://journal-buildingscities.org+2journal-buildingscities.org+2link.springer.com+2)
- Didban, Mohammad, Kourosh Momeni, and Sara Niknam. 2016. "Creating Vibrant Spaces in Commercial Centers: Case Study of Triangle Shopping Center." *First International and Second National Conference on Identity-Oriented Architecture and Urbanism*. Mashhad: Mehrzad International Institute of Architecture and Urbanism. [in Persian]
- Ebrahimnia, Vahideh, Tahereh Shahbazi, and Rouhollah Rahimi. 2022. "Analysis of the Physical Environment Affecting Social Capital in Sari City Neighborhoods." *Geography and Urban Space Development* 9(3): 121-140. <https://doi.org/10.22067/jgusd.2022.67168.0>. [in Persian]
- Eysenck, Michael. 1996. *Psychology of Happiness*. Translated by Khashayar Beigi and Mehrdad Firoozbakht. Tehran: Badr Publications. [in Persian]
- Foroutan, Manouchehr, Maryam Sanatgar Kakhki, and Mohammad Kazem Rezaei. 2013. "Method for Evaluating Environmental Vitality in Commercial Complexes and Shopping Centers." *Haft Hesar Environmental Studies* 2(6): 65-76. [in Persian]
- Forrest, Ray, and Ade Kearns. 2001. "Social Cohesion, Social Capital and the Neighbourhood." *Urban Studies* 38(12): 2125-2143. <https://doi.org/10.1080/00420980120087081>. [journals.sagepub.com+2journals.sagepub.com+2research-information.bris.ac.uk+2](http://journals.sagepub.com+2journals.sagepub.com+2research-information.bris.ac.uk+2)
- Golkari, Kourosh. 2007. "The Concept of Vitality Quality in Urban Design." *Soffeh* (44): 66-75. [in Persian]
- Gorosi, Saeideh, and Mohammad Hassan Shamseddini Motlagh. 2018. "Investigating the Relationship Between Environmental Quality of Life and Life Satisfaction in Neighborhoods: A Study of Residents in Kerman Neighborhoods." *Iranian Journal of Social Studies* 12(4): 67-88. [in Persian]
- Hajinejad, Ali, Mojtaba Rafeian, and Hossein Zamani. 2011. "Evaluating and Ranking Factors Affecting Citizens' Satisfaction with Environmental Quality of Life: Case Study of Old and New Neighborhoods in Shiraz." *Human Geography Research* 43(77): 129-144. [in Persian]
- Harris, David R. 2001. "Why Are Whites and Blacks Averse to Black Neighbors?" *Social Science Research* 30(1): 100-116. <https://doi.org/10.1006/ssre.2000.0695>. [openurl.ebsco.com+1documentsdelivered.com+1](http://openurl.ebsco.com+1documentsdelivered.com+1)
- Hipp, John R. 2009. "Specifying the Determinants of Neighborhood Satisfaction: A Robust Assessment in 24 Metropolitan Areas." *Social Forces* 88(1): 395-424. <https://doi.org/10.1353/sof.0.0249>.
- Hipp, John R. 2010. "What Is the 'Neighborhood' in Neighborhood Satisfaction?" *Urban Studies* 47(12): 2517-2536. <https://doi.org/10.1177/0042098009359950>. [journals.sagepub.com](http://journals.sagepub.com)
- Jacobs, Jane. 1961. *The Death and Life of Great American Cities*. New York: Vintage Books.
- Jalilian, Hamidreza, Morteza Moradi, and Leila Azari. 2011. "Assessing Satisfaction and Its Influencing Factors among Clients of the Red Crescent Physiotherapy Department in Hamedan." *Relief and Rescue* 3(1&2): 10-18. [in Persian]
- Khašto, Maryam, and Navid Saeedi Rezvani. 2012. "Factors Influencing Urban Space Vitality." *City Identity* 4(6): 63-74. [in Persian]
- Khosravi, Arash, and Bakhtiar Bahrami. 2014. "Impact of Shopping Center Facades on Urban Landscape Quality:

- Case Study of Kurdistan Commercial Complex, Sanandaj.” *National Conference on Sustainable Architecture and Urban Landscape*. Mashhad, Iran. [in Persian]
- King, David. 2008. “Neighbourhood and Individual Factors in Activity in Older Adults: Results from the Neighbourhood and Senior Health Study.” *Journal of Aging and Physical Activity* 16(2): 144-170.
  - Kowaltowski, Doris C.C.K., Valéria Gomes Da Silva, S.A.M.G. Pina, Lucila S. Labaki, Regina C. Ruschel, and Denise Carvalho Moreira. 2006. “Quality of Life and Sustainability Issues as Seen by the Population of Low-Income Housing in the Region of Campinas, Brazil.” *Habitat International* 30(4): 1100-1114. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2005.09.006>.
  - Lamnek, Siegfried. 2010. *Qualitative Sozialforschung: Lehrbuch*. Weinheim: Beltz Psychologie Verlags Union.
  - Lee, Barrett A., R.S. Oropesa, and James W. Kanan. 1994. “Neighborhood Context and Residential Mobility.” *Demography* 31(2): 249-270. <https://doi.org/10.2307/2061874>.
  - Lu, Max. 1999. “Determinants of Residential Satisfaction: Ordered Logit vs. Regression Models.” *Growth and Change* 30(2): 264-287. <https://doi.org/10.1111/0017-4815.00113>.
  - McMillan, David W., and David M. Chavis. 1986. “Sense of Community: A Definition and Theory.” *Journal of Community Psychology* 14(1): 6-23. [https://doi.org/10.1002/1520-6629\(198601\)14:1](https://doi.org/10.1002/1520-6629(198601)14:1)
  - Minkov, Michael. 2009. “Predictors of Differences in Subjective Well-Being Across 97 Nations.” *Cross-Cultural Research* 43(2): 152-179. <https://doi.org/10.1177/1069397109332190>.
  - Mousazadeh, Ali, and Maryam Mohammadi. 2018. “Identifying Factors Influencing the Enhancement of Happiness Quality in Urban Spaces Using the Happy City Approach: Case Study of Chaharbagh Abbasi Street, Isfahan.” *Welfare and Social Development Planning Quarterly* 9(37): 1-25. [in Persian]
  - Nahavandi, Elham, Elham Zabitian, Ahmad Pourahmad, and Reza Kheiraddin. 2017. “Vitality of Supporting Spaces in Modern Commercial Centers.” *Manzar* 9(40): 54-67. [in Persian]
  - Ourki, Pariyoush, Mohammadreza Rezaei, Mohammad Mobaraki, and Saeidreza Akbariyan Rounizi. 2019. “Spatial Analysis of Factors Affecting a Happy City from Citizens’ Perspective: Case Study of Yazd City.” *Sustainable City Quarterly* 2(3): 19-39. [in Persian]
  - Parkes, Alison, Ade Kearns, and Rowland Atkinson. 2002. “What Makes People Dissatisfied with Their Neighbourhoods?” *Urban Studies* 39(13): 2413-2438. <https://doi.org/10.1080/0042098022000027031>.
  - Potter, Jan, and Rodrigo Cantarero. 2006. “How Does Increasing Population and Diversity Affect Resident Satisfaction? A Small Community Case Study.” *Environment and Behavior* 38(5): 605-625. <https://doi.org/10.1177/00113916505284797>.
  - Rahimi, Rouhollah, and Delyar Asadi. 2025. “Explaining the Relationship Between Human Experience in the Environment as an Embodied Subject and the Increase of Emotional Awareness.” *Bagh-e Nazar* 21(133): 21-32. <https://doi.org/10.22034/bagh.2024.423219.5480>. [in Persian]
  - Ross, Catherine E., and John Mirowsky. 2009. “Neighborhood Disorder, Subjective Alienation, and Distress.” *Journal of Health and Social Behavior* 50(1): 49-64. <https://doi.org/10.1177/002214650905000104>.
  - Saghafian, Sepideh. 2019. *At the Intersection of Tradition, Poverty, and Gender: A Multi-Sited Ethnography in South Tehran*. Tehran: Kherad-e Sorkh Publications. [in Persian]
  - Samavati, Sahar, and Ehsan Ranjbar. 2018. “Identifying Factors Influencing Happiness in Urban Public Spaces: Case Study of Tehran Historical Center Pedestrian Path.” *Urban Studies Quarterly* 8(29): 3-18. [in Persian]
  - Sarvar, Houshang, Vahid Salahi Sarikhan Biglou, and Omid Mobaraki. 2017. “Analyzing the Role of Commercial Land Uses in Urban Dynamics and Creation of New Urban Spaces: Case Study of Laleh Park Commercial Complex, Tabriz.” *Urban Ecology Researches* 8(16): 29-42. [in Persian]
  - Sedaghatnia, Saeideh, Hossein Lamit, Amir Ghahramanpouri, and Siti Mariam Mohamad. 2013. “An Evaluation of Residents’ Quality of Life through Neighborhood Satisfaction in Malaysia.” *Environmental Management and Sustainable Development* 2(1): 114-125. <https://doi.org/10.5296/emsd.v2i1.3204>. [in Persian]
  - Shahidi, Shahrar. 2009. *Psychology of Happiness: Familiarity with the Latest Theories and Scientific Research*. Tehran: Ghatreh Publications. [in Persian]
  - Sirgy, M. Joseph, and Thomas Cornwell. 2002. “How Neighborhood Features Affect Quality of Life.” *Social Indicators Research* 59(1): 79-114. <https://doi.org/10.1023/A:1013838021546>.
  - Tabibian, Manouchehr, and Yaser Mansouri. 2013. “Enhancing Environmental Quality and Life Satisfaction in New Neighborhoods Based on Residents’ Opinions: Case Study of Kashan.” *Environmentology* 39(4): 1-16. [in Persian]
  - Takano, Takehito, Keiko Nakamura, and Masashi Watanabe. 2002. “Urban Residential Environments and Senior Citizens’ Longevity in Megacity Areas: The Importance of Walkable Green Spaces.” *Journal of Epidemiology and Community Health* 56(12): 913-918. <https://doi.org/10.1136/jech.56.12.913>.
  - Vaziri, Vahid, Nader Hajlou, Ali Rezaei Sharif, and Sadaf Karamati. 2015. “Investigating Determinant Indicators of Happiness in Designing Urban Hangouts: Case Study of District One, Ardabil City.” *Iranian Journal of Archi-*

*ecture and Urban Planning* 6(2): 19-28. [in Persian]

- West, William. 2008. *Psychotherapy and Spirituality*. Translated by Shahriar Shahidi and Soltan Ali Shirafkan. Tehran: Roshd Publications. [in Persian]
- Woldoff, Rachael A. 2002. "The Effects of Local Stressors on Neighborhood Attachment." *Social Forces* 81(1): 87-116. <https://doi.org/10.1353/sof.2002.0068>.

<p style="text-align: center;"><b>نحوه ارجاع به این مقاله</b></p> <p>اسدی، دلپار، قاسم مطلبی، و روح‌اله رحیمی. ۱۴۰۴. واکاوی عوامل مؤثر بر شادکامی ساکنین در محله‌های شهری با روش مردم‌نگاری، مورد مطالعاتی: محله دروازه‌غار تهران (هرندی). نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر ۱۸(۵۰): ۶۷-۹۰.</p> <p>DOI: 10.22034/AAUD.2025.468624.2901 URL: <a href="https://www.armanshahrjournal.com/article_221085.html">https://www.armanshahrjournal.com/article_221085.html</a></p>	
<p><b>COPYRIGHTS</b></p> <p>Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture &amp; Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.</p> <p><a href="http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/">http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</a></p>	